

مضحکه انتخاباتی سال گذشته که برای تشکیل مجلس درم برپا شده بود، گسترده تر خواهد بود و لاجرم رژیم نیز به دروغ بافی های بیشتری متوسل خواهد کردید، دروغ بافی هایی که رژیم نیز می داند بیخ آنها به هیچ وجه نخواهد گرفت.

ارگانهای تبلیغاتی رژیم در زمینه تبلیغ بر سر انتخابات در هفته های اخیر، حالت درمانده ای داشتند. روزنامه کیهان ۷ مرداد در یادداشت سیاسی خود این درماندگی را به خوبی منعکس کرده است. در مقاله کیهان از این که باصطلاح "مبارزات بقیه در صفحه ۲"

آخرین روز هفته جاری پرده اصلی نمایش انتخابات رئیس جمهوری به اجرا در خواهد آمد. روز جمعه ۲۵ مرداد باصطلاح روز انتخابات رئیس جمهور است. طبق معمول بوق و کرناهای تبلیغاتی در روزهای آخر هفته جاری با شدت بیشتری به صدا در خواهند آمد، فتوا و تهدیدها و وعافیهایی ها تکرار خواهند شد و زور و زور و ترس و بیهوده کاری بسته خواهد شد تا وانمود شود صندوق ها مملو از رای است و رئیس جمهور منتخب مردم.

بدون شک عدم شرکت مردم در انتخابات و نیز انداختن آرای باله و سفید در صندوقها به مراتب از

اکثریت

نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۱ مرداد ۱۳۶۴ برابر ۱۲ اوت ۱۹۸۵
بها ۶۰ ریال سال دوم شماره ۶۹

جوانان فدایی در جشنواره مسکو

بین المللی تدارک جشنواره که اداره کننده بهمنها بود، گذاشته بودند. از مرکز تجارت خارجی بسیار مجهز و مدرن اتحاد شوروی گرفته تا دانشگاه لومونوف، از مدرسه عالی فولاد گرفته تا دانشگاه پاتریس لومومبا، همگی در طول برگزاری فستیوال محل مراکز موضوعی بود. حدود دوهزار مترجم، که سخنرانی های نمایندگان را بطور همزمان به شش زبان ترجمه می کردند، کار مراکز را بسیار تسهیل نموده بودند. سازماندهی ویژه ای برای رفت و آمد نمایندگان به محل مراکز انجام گرفته بود.

نمایندگان سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) در کنار شش مرکز شرکت مستمر داشتند که عبارت بودند از: مرکز صلح و خلع سلاح، مرکز همبستگی ضد امپریالیستی، مرکز حقوق جوانان، زحمتکش، مرکز حقوق زنان جوان، مرکز بین المللی دانشجویی و مرکز کردگان. در مراکز دیگری مانند مرکز بقیه در صفحه ۱۰

در دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان، برای نخستین بار سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) شرکت داشت. جوانان فدایی عضو هیات ایرانی شرکت کننده در فستیوال، به هم خود کشیدند در برگزاری، هر چه موفق تر این کردمایی جهانی جوانان، وظایف انقلابی خویش را انجام دهند.

مجموع فعالیت جوانان فدایی در جشنواره مسکو، مشارکت در کار مراکز موضوعی بود. این مراکز، در حقیقت بخش سیاسی جشنواره به شمار می رفت. در طول ۵ روز، ۱۵ مرکز که محل آنها در سراسر مسکو پراکنده بود، جایگاه برخورد سالم عقاید و تبادل نظر جوانان ۱۵۰ کشور تبدیل شد. در مرکز، هر روز کنفرانسها، بهمنها، بزرگراهها و ملاقاتهای گوناگونی برگزار می گردید که موضوع آنها، در پارچوب موضوع کلی و عمومی مرکز بود. میزبانان شوروی برای هر چه بهتر برگزار کردن کار مراسم، بیشترین مکانات را در اختیار کمیته



جشنواره جهانی مسکو: مبعادگاه صلح، دوستی

و همبستگی ضد امپریالیستی

☆☆☆

گزارشی از مراسم گشایش دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان

مارش شکوهمند نمایان صلح و دوستی

☆☆☆

مراسم پرشکوه اختتامیه فستیوال مسکو

ورزشگاه لنین، صحنه پرشکوه ترین وداع

در صفحه ۶

ارسال سلاحهای آمریکایی به جمهوری اسلامی

رای اعتماد سال گذشته مجلس به کابینه میر حسین موسوی گفت: "ما هر معامله ای که داریم، با واسطه ها و یا شرکتهاست و آن هم مشروط بر این که آن کشور سازنده و آن شرکت، اجازه خروج بدهد" (اطلاعات - ۲۴ مرداد ۱۳۶۲) وقتی توجه داشته باشیم که جمهوری اسلامی نیاز عمده اش به سلاحهای آمریکایی و قطعات یدکی مربوطه است، این سخن می تواند حاوی معنای روشنی باشد.

هر از چند گاهی در مطبوعات آمریکایی، قول قاچاق اسلحه به ایران و نیز پیگرد و دستگیری بعضی از

بنابه نوشته روزنامه آمریکایی لس آنجلس تایمز، در ۵ سالی که از جنگ ایران و عراق می گذرد، صدها معنوله سلاح از آمریکا به ایران ارسال شده است. به گفته یک مقام گمرک آمریکا، جمهوری اسلامی ۱۰ درصد نیازهای تسلیحاتی خود را مستقیماً از آمریکا تأمین می کند. سلاحهای صادر شده به ایران، از انبارهای پنتاگون و یا شرکتیهای خصوصی تأمین می شوند.

جمهوری اسلامی در مورد خرید سلاح از آمریکا، پنهانکاری شدیدی ندارد. کافی است به یاد آوریم که هکت سلیبی وزیر سابق دفاع در جلسه

بحران مسکن و سیاستهای رژیم

بنابه نوشته روزنامه ها، هفته گذشته به منظور هماهنگی ارگانها و نهادهای سرکوب رژیم برای تخریب خانه های حاشیه نشینان و کودکانیشان تهران و مقابله با خانه سازی، سپاری با شرکت استادان تهران و دیگر مسئولان اجرایی و قضایی استان تشکیل شد. در این جلسه تأکید شد که شهرداری ها باید با حمایت ارگانهای سرکوب، قبل از آغاز خانه سازی های باصطلاح "غیر مجاز" با قاطعیت به مقابله بپردازند تا به زعم آنها دیگر مسائلی از آن دست که در جریان تخریب خانه های محله "جاده نظامی

بقیه در صفحه ۲

۲۸ مرداد ننگ آلود

این روزها تفاله های لعنت طلب حول سالگرد انقلاب شروطیت و با اصطلاح "هفته شروطیت" خیلی سر و صدا راه نداخته اند. "شاه جوان" آنها پیام اده است، به تخیار در پاریس جلسه داشته و امینی و پیروانش در جلوی آخ سفید تظاهرات به راه نداخته اند. در تقویم فاصله چندانی بن ۱۴ مرداد و ۲۸ مرداد نیست. باسلطنت طلبها هفته شروطیت را تا ۲ مرداد کش نداده اند؟ ۲۸ مرداد گر برای آنها مهم نیست؟ چرا مهم ست. در واقع برای سلطنت طلبها

بقیه در صفحه ۲

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی!

بحران مسکن و سیاستهای رژیم

بقیه از صفحه اول

فیروز اباد شهری "پیش آمد تکرار نشود. در این سینار حجت الاسلام خوانساری فرمانده کمیته های انقلاب اسلامی تهران ضمن تاکید بر "صریح بودن قوانین مجازات متخلفین!" و تایید "مبارزه قاطع با متخلفین قبل از تخلف" اعلام کرد که: "در این رابطه چند صد تن از برادران کمیته ها و نیروهای ژاندارمری بدین امر اختصاص یافته اند که بزودی با استقرار کلیه امکانات لازم در محلی مناسب به طور شبانه روزی در حاشیه تهران و مناطقی که در آنجا تخلفات بیشتری صورت می گیرد به گشت زنی پرداخته و اجازه نخواهند داد کوچکترین تخلفی در این رابطه صورت گیرد." (جمهوری اسلامی ۱۲ مرداد)

امروزه مسئله مسکن که ریشه در نظامی دارد که خمینی پاسدار آن است، یکی از معضلات حادی است که گریبانگیر اکثریت مردم محروم و رنجیده میهن ما است. در طول چند سال گذشته نه تنها گامی مثبت در راه رفع این مشکل اجتماعی برداشته نشده، بلکه بر اثر سیاستهای بغایت ارتجاعی و ضد مردمی و بر اثر حمایت رژیم از منافع صاحبان آپارتمانهای بیشمار و بورس بازان زمین، مشکل مسکن روز بروز ابعاد فاجعه بارتری به خود گرفته است.

۲۸ مرداد ننگ آلود

بقیه از صفحه اول

عزیزترین روز و دل انگیزترین خاطره است. ۲۸ مرداد واقعا روز آنهاست، روزی است که آنها واقعا استحقاق جشن گرفتن آنرا دارند اما این روز به حدی ننگ آلود است که فقط بی شعورترین و فاشیست ترین جناحهای سلطنت طلب حاضرند در سالگرد آن های هوی راه بیندازند. آنها که مثل بختیار "سیاست مدار" ترند، سر و صدا حول ۱۴ مرداد را به شیوه مرضیه دادن پزهای لیبرالی نژادیکتر می بینند.

۲۸ مرداد دیگر چیز چندان پنهانی ندارد. در مورد کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد تاکنون علاوه بر کتابها و نوشته های مختلف، اسناد دست اولی انتشار یافته که آخرین نمونه آن اسناد وزارت خارجه انگلستان است که بعد از ۲۰ سال محرمانه بودن خود را از دست داده و انتشار بیرونی یافته است. این اسناد به وضوح نشان دهنده توطئه ایست که امپریالیست ها تدارک دیده و

در حال حاضر میلیونها تن از مردم میهن ما از ابتدایی ترین حقوق زیستی، یعنی داشتن سرپناهی برای خود محرومند. آنها یا در خانه های اجاره ای سکونت دارند که مجبورند بابت اجاره خانه، بیش از ۸۰ درصد درآمد ماهانه خود را برای اجاره مسکن بدهند و یا در حاشیه شهرها در خانه های محقر، در کپرها، کانتینرها، زاغه ها، چادرها و در حلبی آبادها که فاقد حداقل امکانات زیستی و بهداشتی هستند به زندگی فلاکت بار خود ادامه دهند. توجه به ارقام میلیونی مهاجرین روستایی که بر اثر سیاستهای خائنانانه مرتجعین، خانه خراب شده و به امید یافتن مرمعاش و سرپناهی راهی حاشیه شهرهای بزرگ و از جنه تهران شده و می شوند، در میلیون آواره جنتی که هستی شان در اثر جتک خانمانسوز از بین رفته و هم چنین جمعیت کثیر روستاییانی که فاقد مسکن بوده و در شرایط بس اسفباری زندگی می کنند، ابعاد بی سرپناهی مردم را روشنتر بیان می دارد.

با وجود چنین وضعیتی، رژیم بایستی مسئولیت تهیه مسکن برای مردم را از خود سلب می کند و می گوید: "اگر کسی به این فکر بود که دولت روزی به او خانه می دهد این فکر پیچیده ای است." (اطلاعات ۵ آذر ۶۲) و صریحا با هدف دفاع از منافع کلان سرمایه داران و "بازایروشان" اعلام می کند: "استیجاریک مکانیسم بسیار

شاه و اعوان و انصارش مهره های آن بودند.

کودتای ۲۸ مرداد دیگر برای خیلی از سلطنت طلبهای غرور و فخر ورزیدن ندارد، اما این بدان معنا نیست که آنها در هوای تکرار توطئه های هسان آن نیستند. امپریالیستها و ایادی آنها معمولا توطئه چینی و کودتاهای ۲۸ مردادی را بر هر شکل دیگر از کسب تمامی قدرت ترجیح می دهند و تنها آنگاه که عوامل دیگری مداخلیت یابند به صراقت یافتن شیوه های دیکتر بر می آیند.

در حال حاضر غیانت های بی حد و حصر رژیم جمهوری اسلامی و خدمت هایی که با سرکوب مردم و انقلاب به امپریالیسم و بورژوازی بزرگ کرده است، این رژیم را برای امپریالیسم از هیات یک حکومت نامطلوب بیرون آورده است. امپریالیسم در حالی که نمایندگان و ایادی سنتی خود را به هر حکومت

معقولی برای برخورد با طبقه محروم است. " (کازرونی وزیر مسکن و شهرسازی اطلاعات - ۲ اردیبهشت ۶۴)

با تخاصمی به مصوبات و تصمیحات مجلس و هیات وزیران ارتجاع، تنهاد طول سه ماهه گذشته سال جاری در مورد مسئله مسکن می توان دریافت که رژیم تاجه اندازه در راه خیانت به زحمتکشان میهن، گوی سبقت را از سلف خود یعنی رژیم مخلوع پهلوی در ربوده است. در هر یک از این مصوبات زمینه های غارت و پیاو زحمتکشان میهن مابیش از پیش گسترده شده است.

در اردیبهشت ماه گذشته آیین نامه اجرایی قانون اراضی شهری همراه با "اصلاحاتی" که هیات وزیران به نفع سازو بیفروشان در آن وارد کرده بود منتشر شد. بر اساس ماده ۶۷ این طرح به سازندگان واحدهای مسکونی برای فروش یا اجاره، زمین واکذار می شود. در این زمینه در نشریه کار شماره ۱۶ خردادماه آمده است:

"بند ۲ ماده ۶۷ همین قانون نیز به هر ساز و بیفروش اجازه می دهد که در هر باز به اندازه ده واحد مسکونی زمین دریافت کند. مطابق بند ۳، کلان سرمایه داران اجازه می یابند با تشکیل شرکتهای ساختمانی در هر بار برای ۵۰ واحد مسکونی زمین دریافت کنند. تبصره یک این ماده شرط واکداری مجدد بقیه در صفحه ۴

دیگر، ترجیح می دهد، می داند که برخی چموشگری های رژیم در دراز مدت مهم نیستند و قابل رفع و رجوع می باشند. سلطنت طلبهایی که دوراندیشی اربابان را ندارند تا حدی از این نحوه برخورد امپریالیسم دلخورند، از اینو مرتب قیل و قال راه می اندازند و به آستانبوسی کاخ سفید می روند تا بگویند آمریکا هیچ نوکری وفادارتر از آنها نخواهد یافت. آنها سنگ یک ۲۸ مرداد دیگر را به سینه می زنند و مقصد آن هستند که امپریالیسم در یک موقع مقتضی بالاخره خواسته آنها را اجابت کند. آنها تا آن هنگام که گمان می کنند بالاخره فرا خواهد رسید، چاره ای نیافته اند جز آنکه سنگ آزادی را به سینه بزنند و از قبل آزادی کشی های جمهوری اسلامی بازاری، برای فروش کالاهای تقلبی خویش بیابند. عوامفریبی ها و توطئه چینی های آنها را باید هوشیارانه زیر نظر داشت و در جهت خنثی کردن آنها تلاش کرد.

انتخابات: پایان یک نمایش

بقیه از صفحه اول

انتخاباتی "دیر شروع شده و تبلیغ در این زمینه خیلی بی رمق و شل و ول است، انتقاد شده است. این درمادگی اتفاقی نیست. عوامفریبی موثر باید محمل و بهانه ای باقی نمانده دیگر هیچ محمل و بهانه ای باقی نمانده است. یکی از مقامات رژیم خمینی هفته گذشته با وقاحت بی حدی پوشالی بودن انتخابات را اعلام داشت. امامی کاشانی عضو شورای نگهبان و دبیر هیات مرکزی نظارت بر انتخابات ملی یک مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت، نظره نظر شورای نگهبان است و اگر مردم بخوانند از صراطی که جمهوری اسلامی برای آنها مقرر کرده منحرف شوند، شورای نگهبان جلوی آنها را خواهد گرفت.

نمایش انتخاباتی فعلی به اعتبار ظاهر خود مضحک است اما در عین معانی جدی ای دارد. همین که رژیم نتوانست برای ظاهر سازی هم که شده بر تعداد کاندید اها بیفزاید و حتی منتقد بی بو و خاصیتی مثل مهدی بازرگان را در بازی شرکت دهد، بر شکندگی رژیم دلالت دارد. رژیمهای دیکتاتوری با ثبات از مانورهای عوامفریبانه حول آزادیهای انتخاباتی در چارچوبهای مجاز و از پیش تعیین شده، ابایی ندارند. اما وقتی پایه برآب باشد و اختلافات بر پیکر پوشالی دستگاه حاکمه شکافهای جدی و عمیق ایجاد کرده باشد، مانورهای آتچنانی هم می توانند مساله آفرین باشند. اعلام کاندیداتوری بازرگان و بعد حذف وی از لیست کاندید اها علاوه بر این که تپییای دیگری را نصیب دسته بندی لیبرالی نهضت آزادی کرد، به مردم این فرصت مکرر را داد که ببینند "نهضت آزادی" و جریانات مشابه آن به چه رژیمی امید بسته اند. این جریانات دل بسته رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی هستند و از ترس حرکت مردم حاضرند همپتان حول همین رژیم توهم آفرینی کنند، آژراس را تحمل کنند و به روی مبارک نیاورند.

مردم به چیزی کمتر از سرنگونی جمهوری اسلامی بسنده نمی کنند عوامفریبی های رژیم و نیز همه تلاشهای مذبوحانه در جهت وسه کشیدن بر ابروی حکومت در اراده رزمنده آنها خللی وارد نخواهد ساخت.

فقیه عالیقدر، در رقابت باریگان و ژنرال ضیاءالحق

مدتی است که درگیری بین اشرار ضد انقلابی افغانستان، شدت گرفته است. همزمان با اوج گیری درگیریهای مسلحانه بین ضد انقلابیون بر سر دلارها و سلاحهای مختلف اعطایی از سوی آمریکا بویژه از اواخر اریبشت ماه سال جاری به بعد، آیت الله حسینعلی منتظری، مشهور به ولیعهد خمینی شیدای به فعالیت افتاده است تا بین باندهای مختلفی که علیه جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان می جنگند، سازش و آشتی برقرار کند.

منتظری در اوایل خردادماه، در دیدار با تنی چند از سران ضد انقلابیون افغانی آنان را به تشکیل جبهه ای، به رهبری خمینی دعوت کرد. آنها برای خوردن از کیسه

جمهوری اسلامی، مصلحت را در یک اختلاف دیدند و بین خود اعلام آتش بس کردند.

در روز ۲۷ خرداد از سوی گروه ضد انقلابی طرفدار جمهوری اسلامی که دکانهایی برای ترار و مال اندوزی سرانشان هستند و هیچ یک ثمرات قابل توجهی ندارند، یک "میثاق صلح" به امضا رسید که در آن گفته شد این میثاق به توصیه منتظری تنظیم گردیده و بر مبنای آن "هرکس از آتش بس تخطی کند، محاکمه می شود" انتشار این "میثاق" غائله را خوابانید. اشرار همچنان با یکدیگر کشاکش داشتند. منتظره، به توصیه کسانی که از این قبیل مستقیما نان می خوردند و به امپریالیسم خوش خدمتی می کنند، باز وارد کود شد.

کمیسیونی تشکیل گردید که در آن وزارت خارجه جمهوری اسلامی نیز شرکت جست. این کمیسیون، "کمیسیون پی گیری، نظرات آیت الله العظمی منتظری، لقب گرفت و مقرر گردید از نزدیک بر آتش بس بین اشرار نظارت کند.

اعضای این کمیسیون دوهفته پیش با منتظری دیدار کردند. منتظری در این دیدار از آنها خواست درگیریهایشان را کنار بگذارند و "خیال نکنند یک گروه خاصی به تنهایی می تواند کار را انجام دهد".

چند روز بعد از این دیدار، از سوی ۶ گروه ضد انقلابی افغانی اطلاعیه مشترکی صادر شد که در آن بر وحدت کلمه طبق نظر منتظری، "تاکید گردد و به "گروهای نفاق افکن" حمله شد. جالب این جاست که این اطلاعیه را همه آن باندهایی که قبلا بین خود

"میثاق صلح" بسته بودند، امضا نکرده اند.

درگیری بین اشرار، که امری بدیهی و ذاتی در میان همه نیروهای ضد انقلابی است، همچنان ادامه دارد. ریکان و ژنرال ضیاءالحق هم بادلارها و سلاحها و توپ و تشرایشان تاکنون نتوانسته اند و مسلما در آینده هم نخواهند توانست ضد انقلابیون را برای مبارزه هماهنگ با افغانستان انقلابی متحد سازند. وقتی آنها نتوانند، فقیه عالیقدر جمهوری اسلامی که دینار جای خود را دارد حتما خود بزرگ بینی جنون آمیز مقامات ولایت فقیه، منتظری را واداشته است از در رقابت با ریتان و ضیاءالحق بر آید این رقابت در اساس هماهنگی و هم رایی در تلاشهای مذبوحانه ای است که عاقبتی جز رسوایی و ناکامی بدنبال نخواهد داشت.

ارسال سلاحهای...

بقیه از صفحه ۱

قاجاقچیهای مطالبی نوشته می شود. در همین چند هفته گذشته مطبوعات آمریکایی خبرهایی پیرامون دستگیری پی اسر آمریکایی نوشتند که قصد داشته است مقدار کلانی سلاح از جمله چندین نوع موشک و نیز قایقات بدکی پتکندهای اف - ۱۴ به جمهوری اسلامی صادر کند.

مسلما هیچ کس بر این باور نیست که قاجاق اسلحه به جمهوری اسلامی، آنهم سلاحهایی که حتی از انبارهای پنتاگون خارج شده اند، پنهان از چشم سیا و دیتار ارگانهای حکومت آمریکا صورت می گیرد و این نیز مسلم است که حکومت آمریکا، همچون یک بسیجی ساده لوح نیست که گمان کند این سلاحها برای جنگ با "استکبار جهانی" هستند. امپریالیسم آمریکا می داند برای تداوم جنگی که مستقیما به نفع خود اوست، نباید دست جمهوری اسلامی خالی بماند.

آمریکابه حکومت خمینی برای تداوم جنگ سلاح می دهد و خوش دارد که نگاه علیای خود را به رخ بکشد تا از ناز و غمزه حریف بکاهد. از اینروست که بعضا از دستگیری این یا آن قاجاقچی سلاح به جمهوری اسلامی در مطبوعات آمریکایی خبرهایی نوشته می شود. این خبرها جدی نیستند، آن چه که جدی است روند شدت گرفتن صدور سلاحهای آمریکایی به جمهوری اسلامی است. آمریکایی خواهد رژیم در برابر موج عظیم مخالفت مردم ایران با جنگ، از خود تزلزل نشان دهد.

هیروشیما و همدانستانی سلطنت طلبان و خمینی خواهان

اخیرا در شماره ۲۴۸ - ۲۴۹ نشریه ایران و جهان، ارگان دارودسته امینی مقاله کوتاهی زیر عنوان "چهل سال پس از هیروشیما" به چاپ رسیده است که یک عروسک کوکی، آنرا در ستایش این جنایت تاریخی آمریکا نوشته است.

در مقاله آمده است: بمباران هیروشیما "نه تنها نقطه پایان بر جنگ جهانی دوم نهاده که عصر کاملا جدیدی را نیز در دنیای ما آغاز کرد."

وطن فروشانی که این ورق پاره را منتشر می کنند خوب می دانند که بمباران اتمی هیروشیما این شهر را بکلی ویران نمود و بیش از یکصد هزار انسان بی گناه را به کام مرگی دردناک کشید که از آنها جز نقشی سوخته باقی نماند.

و این در حالی بود که ژاپن قبل از وقوع این کشتار هولناک، آشکارا به شکست خود اعتراف کرده و پایان جنگ را پذیرا بود. لیبه دریادار آمریکایی درباره هیروشیما و ناکازاکی گفته است: ژاپنی ها شکست خورده و آماده تسلیم بودند. مقامات عالی رتبه آمریکا از جمله ترومن رئیس جمهور وقت که دستور بمباران را صادر کرده بود نیز به این امر واقف بودند. چنین بربرمنشی هولناکی فقط ناشی از ماهیت ضد بشری و تجاوزگرانه ارباب عزیز سلطنت طلبان و به خاطر باج خواهی بین المللی به ویژه در رابطه با اتحاد شوروی بود.

اما مقاله با وقاحتی که ویژه تفاله های رژیم جنایتکار سلطنتی ست. نه تنهایی کوشد این قتل عام تاریخی را عمای منطقی و ملی جلوه دهد بلکه با

"ترومن، رئیس جمهور وقت آمریکا مجبور بود فرمان بمباران اتمی را صادر کند، چون در غیر این صورت اتحاد شوروی ژاپن را اشغال می کرد." این هسانی در توجیه وحشیگری آمریکا از سوی سلطنت طلبان و خمینی خواهان، اتفاقی نیست. دشمنی با مردم، هراس از نیروهای انقلابی، جنون کمونیس ستیزی، و شوروی ستیزی ددمنشانه از وجوه اشتراک این دو جریان آبرو باخته و هرزه اندیش است که با هر پیروزی، کوچک و بزرگ نیروهای صلح و سوسیالیسم رسته های مرگ بر جان متعفنشان چنگ می اندازد.

تبهکاران غالب و مغلوب حاضرند برای پیشی گرفتن از یکدیگر در فحاشی علیه نیروهای صلح و سوسیالیسم توجیهاتی و قبحانه تر از اجبار آمریکا مبنی بر کشتار چند صد هزار نفری در هیروشیما و ناکازاکی نیز سر هم کنند. هنوز پس از چهل سال، بر اساسی قربانیان جنایت تاریخی آمریکا افزوده می شود. در همین هفته گذشته شهردار هیروشیما اسمی ۴۱۶۵ نفر دیگر را که تنهایی سال گذشته در اثر عواقب انفجارهای هسته ای جان سپرده اند، در پای بنای یاد بود قربانیان این فاجعه فراموش نشدنی نهاد و میلیونها نفر در سراسر جهان در راهپیمایی صلح، علیه این تبهکاری آمریکا فریاد اعتراض سر دادند. طبیعتا در برابر این همه قربانی، آنهایی که پایه قدرت فرو ریخته شان در خون بوده است و آنهایی که حاضرند خون ریزی و کشتار را از مرزهای ایران فراتر برده و به سراسر جهان صادر کنند، ککشان هم نمی گزد.

استناد به گفته "تیبتر" خلبانی که بمب اتمی را بر هیروشیما و ناکازاکی فرو ریخت جنایت مزبور را مورد ستایش قرار داده موجب افتخار میدانند. نگارنده از قول تیبتر در مصاحبه با فیکارو، چنین می نویسد: "من بخاطر کشورم و شکست دشمنان آزادی و حفظ جان سربازان موطنم ماموریت پر تاپ بمب را انجام دادم و به این عمل خود افتخار می کنم."

سپس عروسک کوکی با تکیه بر مصاحبه تیبتر می نویسد: "مسئله هیروشیما بیش از هر چیز تضاد تاریخی اخلاقیات و انجام وظایف منی و همچنین نتایج آنی و دراز مدت کنش و واکنش در برابر دشمن را مطرح می سازد." "نتیجه اخلاقی دیتار آنکه در برابر تبلیغات مخالفان (منذور مخالفان این گونه جنایت هاست) بویژه وقتی کمونیستها باشند باید بسیار محتاط و مشکوک بود"

بر کسی پوشیده نیست که اخلاقیات از دیدگاه شاهپرستان مفهومی جز تباهی فرهنگ انسانی و سعادت خلق ندارد.

بمب گذاری در خیابانهای تهران و کشتار مردم بی گناه از طرف تفاله های رژیم سلطنتی که از موضعی بغایت ارتجاعی با خمینی پلید می ستیزند نیز باید در چارچوب انجام همین "وظایف ملی" تگریسته شود.

خبرگزاری جمهوری اسلامی هم کاربرد سلاح اتمی آمریکادر هیروشیما را ضرورتی اجتناب ناپذیر وانمود کرده، آنرا چنین توجیه میکند:

عملیات قدس ۵

در هفته گذشته نیز همچون هفته‌های بعد از دور دوم جنگ شهراء جمهوری اسلامی و عراق متقابلاً عملیات محدودی علیه یکدیگر را به صورت شبیخون صورت دادند. هر دو طرف می‌کوشند نتایج حاصل از این عملیات را بزرگ جلوه دهند.

مهمترین شبیخون جمهوری اسلامی در هفته گذشته قدس ۵ نام داشت که ادعا گردید در جریان آن ۵۰ کیلومتر در باتلاقهای هورالهوریه پیشروی صورت گرفته و جمعی از سربازان عراقی کشته شده‌اند. عراق به نوبه خود این ادعا را تکذیب کرده است.

هاشی رفسنجانی در نماز جمعه هفته گذشته مدعی شد در جریان پنج حمله‌ای که با عنوان قدس صورت گرفته ۲۵۰ کیلومتر مربع از باتلاقهای هورالهوریه تصرف شده و ۲۰۰۰ سرباز عراقی کشته و مجروح شده‌اند.

مصاحبه امامی کاشانی

درباره خیمه شب بازی انتخابات

امامی کاشانی عضو شورای نگهبان و دبیر هیات مرکزی نظارت بر انتخابات در روز یکشنبه ۱۲ مرداد در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت کرد و در مورد انتخابات ریاست جمهوری اسلامی توضیحاتی داد. وی ابتدا به وظیفه شورای نگهبان در قبایل انتخابات پرداخت و در این زمینه گفت: "نظارت بر انتخابات در واقع حفظ آرای مردم است و این نظارت در محدوده قانون اساسی اعمال می‌شود. یعنی اگر مردم بخواهند به کسی که طبق قانون اساسی واجد شرایط نیست رای بدهند، شورای نگهبان جلوی این آرای را می‌گیرد."

امامی کاشانی در ادامه این مصاحبه در مورد کم بودن تعداد کاندیدها گفت: "یکی از دلایل کم بودن کاندیدها نقص قانون است. چرا که در قانون آمده است که اعضای مجلس، هیات دولت، شورای نگهبان و شورای عالی قضایی، برای کاندید شدن باید استعفا دهند. این امر باعث می‌شود افراد سرشناس نتوانند کاندید شوند."

امامی کاشانی در این مصاحبه علت حذف مهدی بازرگان از لیست کاندیدهای ریاست جمهوری را چنین توضیح داد: "شورای نگهبان تمام نقاط مثبت و منفی بازرگان را بررسی کرد و براساس آنچه که قانون اساسی تعیین کرده است و بررسی‌های انجام شده، صلاحیت وی تأیید نشد. شورای نگهبان تسلیم جونی‌شود و مطابق با قانون اساسی و فقه اسلامی عمل می‌کند."

ضوابط گزینش دانشجو

ادامه تحقیقات امنیتی بر روی شرکت کنندگان در کنکور باعث تاخیر بیشتر در اعلام اسامی دانشجویان پذیرفته شده در دانشگاهها می‌شود. دبیر شورای مرکزی گزینش دانشجو که از اعضای بلند مرتبه ساواک جمهوری اسلامی است و به همین جهت اسم او در روزنامه ذکر نشده است، ضمن اعلام این مطلب، بر روی ضرورت سختگیری بیشتر در تصفیه پذیرفته شدگان در کنکور تأکید کرد.

رژیم به شدت از این که کنترل دانشگاهها را از دست بدهد، هراسان است. به همین جهت مقام امنیتی مذکور تأکید نمود عدم سختگیری در تصفیه پذیرفته شدگان در کنکور، موجب پشیمانی رژیم خواهد شد. وی گفت مواداران گروههای انقلابی و کسانی که با جمهوری اسلامی مخالفند مطلقاً به دانشگاه راه پیدا نخواهند کرد.

تحقیق در رابطه با این موضوع بر عهده وزارت اطلاعات (ساواک ج.ا.) و دبیر ارگانهای امنیتی است. شورای مرکزی گزینش بر اساس گزارش این مراجع حکم نهایی در مورد تصفیه افراد را صادر خواهد کرد. قضاوت نهایی بر عهده یک قاضی است که از سوی وزارت اطلاعات مامور صدور حکم نهایی در شورای مرکزی گزینش است.

لازم به تذکر است که هنوز لیست کامل پذیرفته شدگان کنکور سال گذشته انتشار نیافته است. مقام امنیتی مذکور گفته است تحقیق در مورد ۵۰۰ نفر از آنها، هنوز ادامه دارد.

ساواک جمهوری اسلامی

وارث تمام عیار ساواک شاهنشاهی

ساواک جمهوری اسلامی مشهور به وزارت اطلاعات، رسماً وکالت ساواک شاهنشاهی را در زمینه شکایتهای مالی از سازمان امنیت و اطلاعات سابق را بر عهده گرفت. ساواک جمهوری اسلامی با انتشار اطلاعیه‌ای که در کیهان ۱۴ مرداد نیز به چاپ رسیده است، این تصمیم را در راستای پیاده کردن اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی، اعلام کرده است.

هماهنگی بین قوه قضائیه و ساواک

جمهوری اسلامی

روز جمعه ۱۸ مرداد ریشهری رئیس ساواک جمهوری اسلامی و موسوی اردبیلی رئیس قوه قضائیه دیدار داشتند. در این دیدار تصمیماتی در جهت هماهنگی بیشتر بین دستگاه قضایی و ساواک جمهوری اسلامی گرفته شد.

دعوا بر سر "دانشگاه آزاد اسلامی"

برسروصیعت کنونی و آینده "دانشگاه آزاد اسلامی" اختلافات شدیدی بین مسئولان این دانشگاه که تحت حمایت رفسنجانی هستند و وزارت علوم و آموزش عالی بروز کرده است. "این دانشگاه" که مسئولان آن، آنرا صد درصد اسلامی توصیف می‌کنند در صدد است که به فارغ التحصیلان خود مدارک لیسانس و دکترا بدهد، اما وزارت علوم از دادن اجازه صدور مدرک به آن خودداری می‌کند و آنرا برای مدرک دادن، مستحق نمی‌بیند. عده‌ای از نمایندگان مجلس و آخوندهایی که در این "دانشگاه" سمت استادی دارند، وزارت علوم را به خاطر به رسمیت نشناختن این "دانشگاه صد درصد اسلامی" زیر فشار قرار داده‌اند.

"دانشگاه آزاد اسلامی"، در صدد است

دوره‌های پزشکی نیز دایر کند. شبیانی نماینده مجلس و رئیس سابق دانشگاه تهران که خود پزشک است، این کار را خطرناک توصیف کرده است.

"دانشگاه آزاد اسلامی" از روی الکوی "حوزه علمیه" ساخته شده و مدرسین آنرا در شعبات مختلف این "دانشگاه" در تهران و شهرستانها، عمدتاً حجج اسلام تشکیل می‌دهند. این "دانشگاه" به ابتکار هاشمی رفسنجانی و براساس امکانات اولیه "دانشگاه آزاد" در زمان شاه که به صورت مکاتبه‌ای به دانشجویان خود درس می‌داد، تاسیس شده است.

دعوا بر سر "دانشگاه آزاد اسلامی" به چهاران نیز کشیده و از قرار معلوم خمینی جانب مسئولین این دانشگاه را گرفته است.

آذری قمی و خزعلی

روزنامه منتشر می‌کنند

جمعی از شناخته شده ترین مرتجعین سرمدار حوزه علمیه قم، تصمیم به انتشار روزنامه‌ای به نام "رسالت" گرفته‌اند. این روزنامه زیر نظر آذری قمی، خزعلی، راستی کاشانی و شرعی انتشار خواهد یافت.

در مورد انتشار روزنامه "رسالت"، اطلاعیه‌ای در کیهان ۱۰ مرداد با امضای هیات امناء، این روزنامه چاپ شده است. در این اطلاعیه، جمهوری اسلامی یک "مائده آسانی" برای آیات عظام و حجج اسلام توصیف شده و گفته شده برای صرف آن لازم است نسبت به "حاکمیت فقه و ولایت فقیه" آگاهی بیشتری وجود داشته باشد تا جلوی "حرکات تفرقه افکنانه" گرفته شود. روزنامه رسالت قرار است رسالت دادن این آگاهی را عهده دار شود.

بحران مسکن و سیاستهای رژیم

بقیه از صفحه ۲

زمین به شرکتیهای ساختمانی را تنها گواهی پایان هشتاد درصد پروژه قبلی قرار داده است. تبصره سه این ماده به مالکان اراضی شهری اجازه می‌دهد در اراضی بایر مازاد بر حد نصاب تعیین شده توسعه اراضی شهری واحدهای مسکونی بسازند، و فروشنده یا اجاره دهند.

دو هفته پیش نیز "قانون لغو مجوز مسکن" در مجلس به تصویب رسید. در زمانیکه این قانون اجرا می‌شد موانعی بر سر راه ساز و بفروشهای عمده وجود داشت که طبیعتاً آنان با رشوه دادن می‌توانستند از آنها عبور کنند. این موانع اکنون بر طرف شده‌اند و به قول روزنامه کیهان ۱۰ مرداد، اکنون "بساط دلان واسطه‌های مسکن رونق می‌گیرد و قیمت واحدهای مسکونی با هجوم سرمایه‌دارهای میلیاردر به بازار مسکن، روز بروز بالاتر می‌رود."

همه موانع سر راه بورس بازان خانه و آپارتمان و زمین یکی پس از دیگری برداشته شده است. تنها مقابله و مقاومت بکپارچه مردم است که رژیم را در خدمتگزاری به کلان سرمایه‌داران به هراس وامی‌دارد. تشکیل سینارهای ویژه و گشت‌های شبانه روزی تخریب نیز در چنین شرایطی هدفی جز آن ندارد که به زور شلاق و گلوله، زحمتکشان را به تمکین در مقابل بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران و قانون حافظ منافع آنان وادار سازند. مقاومت و مبارزه مردم این تمهیدات را بی اثر می‌سازد. مردم مبارزه حاشیه نشینهای تهران را که طلایه انقلاب بهمن بود، فراموش نکرده‌اند.



اعتصاب در کارخانه

ریسندگی و یافتگی فومنت

کارخانه ریسندگی و یافتگی فومنت بین جاده رشت - فومن قرار دارد. این کارخانه نزدیک به ۱۵۰۰ نفر کارگر دارد. در روز بیستم تیرماه کارگران این کارخانه برای دستیابی به مطالبات خویش و اخراج مدیریت کارخانه دست به اعتصاب زدند. برای سرکوب اعتصاب علاوه بر نفرات سپاه از سوی نخست وزیری نیز عده ای به محل اعزام شدند. آنان هفده نفر را به عنوان اخلالگر دستگیر و به تهران منتقل کردند و هفت نفرشان را بلافاصله از کار اخراج نمودند. اعتصاب کارگران که بعد از چند روز قلع شده بود، با اخراج این افراد مجدداً از سر گرفته شد.

درگیری مردم بانفرت کمیته در اراک

اوباشگری و اعمال فشارهای گوناگون توسط ایادی رژیم و نفرت مردم از آنان یکی از زمینه های دائمی درگیری های پراکنده بین ارگانهای سرکوب رژیم و مردم را تشکیل می دهد.

در بیستم تیرماه در پاساژ اسلامی شهر اراک، نفرات کمیته به بهانه نحوه لباس پوشیدن، معترض عده ای جوان می شوند. این جوانان با کمک اهالی محل افراد کمیته را به باد کتک می گیرند. کمیته چی ها با پی سیم تقاضای کمک می کنند. چندین ماشین پاسدار به محل آمده و مردم را احاطه می کنند و به نحو شددی اقدام به تیراندازی هوایی می نمایند. پس از مجروح کردن عده ای، حدود ۲۰ نفر را دستگیر می کنند و جهت انتقال به یک مینی بوس سوار می نمایند. مردی که زن و بچه اش در میان دستگیر شدگان بود با داد و فریاد اعتراض می کند که بالاخره او را نیز همراه زن و فرزندش می برند.

تیرباران سربازان در جبهه

درشاد شهر کرج چند دوسرباز را تحویل خانواده هایشان می دهند. وقتی خانواده های آنها می خواهند جنازه فرزندان خویش را تشییع کنند پاسداران از اینکار ممانعت می کنند و می گویند "اینها که شهید نیستند" گفته می شود که این سربازان بوسیله فرماندهان تیرباران شده اند. این امر موجب اعتراض شدید خانواده ها و هم محله ای های آنان می گردد.

نفاق افکنی شیوه ارتجاع

در تاریخ ۲۳ خرداد ماه در روستاهای "میبه" و "گردو" از توابع فارس شهر کرد یک درگیری بین مالی و پاسداران صورت پذیرفت. پاسداران خمینی تحریکات نفاق افکنانه و مسلح کردن یک طایفه لیه طایفه دیگر این درگیری را به جدال دو طایفه بدل کردند. در این درگیری ۵ نفر کشته ۶۰ نفر

مجروح و ۲۲ نفر دستگیر شدند. رژیم برای جلوگیری از خشم مردم اعلام کرد که مسئول سپاه "جونقان" بعثت تحریک مردم تحت تعقیب است و بازداشت خواهد شد قبل از آن نیز سه درگیری مسلحانه دیگر بین مردم این منطقه و پاسداران به وقوع پیوسته بود که در آنها نیز عوامل ارتجاع حاکم تلاش داشته اند با نفاق افکنی رژیم را از زیر ضرب عشاری و روستائیان خارج سازند

"در مورد این پرونده سخت نگیرید!"

در خرداد ماه سال جاری چهارتن از کارمندان اداره کمرک تهران به جرم سو استفاده مالی دستگیر شدند. گفته می شود مقدار این سو استفاده ۸۰۰ میلیون تومان بوده است کمتر از یکماه بعد این افراد با وساطت آیت الله صانعی و به قید ضمانت آزاد گشتند. در یک مکالمه تلفنی که بین صانعی و مسئول بررسی پرونده منجرین صورت گرفت، صانعی گفته بود: "در مورد این پرونده زیاد سخت نگیرید!"

اعتراض و اعتصاب دانشجویان

رشته کاردانی پرستاری

وابسته به وزارت بهداشتی

در سال ۶۱ عده ای از شرکت کنندگان در آزمون ورودی دانشگاه ها و مدارس عالی در مراکز آموزش پرستاری پذیرفته شدند. اکثر آنان را دانش آموزان ممتازی تشکیل می دادند که بدلیل بی عدالتی در شرایط کزینش دانشجویان به تحصیل در حد دوره کاردانی (فوق دیپلم) پرداختند. با شرط معدل امیدواری و امکان ادامه تحصیل تا مقطع لیسانس به آنها داده شده بود.

اما پس از اتمام یک ترم تحصیلی، مسئولین در یافتند که اکثریت دانشجویان ممتاز کلاسها را غیر نهادیها و غیر انجمنی ها تشکیل می دهند. این امر موجب گردید که به شرط معدل، "اخلاق اسلامی" را نیز اضافه کنند. پس از گذشت یکسال و نیم اخلاق

اسلامی تنها معیار اخذ پذیرش لیسانس گردید و شرط معدل حذف شد!

بدنبال این امر در اواخر اردیبهشت ماه دانشجویان و مجتمع های مختلف آموزش پرستاری، جلسه ای با حضور ۲۵۰ نفر از نمایندگان و دانشجویان مجتمع هادر بیمارستان مفید تشکیل دادند و با اکثریت آرا تصمیم به اعتصاب، با خواست تبدیل دوره "کاردانی" به "کارشناسی" (لیسانس)، گرفتند قبل از این جلسه جاسوسان انجمن های اسلامی بین مجتمع ها تلاش بسیاری بکار بردند که از ایجاد ممانعتی بین مجتمع ها جلوگیری نمایند و مثلاً با کندن المذاعیه های دعوت به تشکیل جلسه، دانشجویان برخی مجتمع ها را بی اطلاع بگذارند. علیرغم تهدیدات و جو اخفافی حاکم بر مراکز آموزش عالی اعتصاب تاخردامه ادامه داشت.

در یکی از مجتمع های کاردانی پرستاری وابسته به وزارت بهداشتی که فرصت نیافته بود خود را با حرکت اعتصابی سایر مجتمع ها هماهنگ سازد، انجمن اسلامی که ناراضیاتی و جو آماده برای اعتصاب دانشجویان را می دید تلاش نمود خود را لرفدار و هسو با مبارزه دانشجویان برای تبدیل دوره فوق دیپلم به لیسانس وانمود سازد اما در اولین جلسه ای که به دعوت انجمن اسلامی و با حضور اکثر دانشجویان این مجتمع برگزار شد با سخنان افشاکر دانشجویان در مورد این ژست دروغین ایادی و جاسوسان رژیم تمامی دانشجویان جلسه مژبور را ترک کرده و خود به جستجوی راه های پیشبرد خواسته های خویش پرداختند.

اکنون پیگیری خواست دانشجویان مجتمع های پرستاری وابسته به وزارت بهداشتی دایر بر تبدیل دوره "کاردانی" به "کارشناسی" به اشکال مختلف ادامه دارد.

اعتصاب در مجتمع های پرستاری وابسته به وزارت بهداشتی همزمان با سلسله اعتصابات و اعتراضاتی بود که دانشجویان پرستاری دانشگاه آزادگان و چند دانشکده پرستاری دیگر انجام دادند و خبر آنها ما قبلاً در شماره ۶۴ نشریه اکثریت درج کردیم.

فعالیت های افشاکرانه فدائیان خلق در رابطه با انتخابات

زحمتکش همانا ازدیادروز افزون گرانی، تورم، بیکاری، و بی خانمانی می باشد. آنان با ادامه جنگ خانمانسوز و بی حاصل، قصد آن دارند که جوانان شما را در جبهه های بی بازگشت جنگ، نابود سازند و در پشت جبهه کانون گرم خانوادگی شما را تباه سازند...

مشهریان انقلابی!

بشارفتن به سر صندوق های انتخابات ریاست جمهوری فرمایشی، شتی محکم بر دهان یاهو گویانی که تنها کمر به خدمت کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و تجار عده بازار بسته اند، بکوبیم. عدم شرکت در انتخابات و تحریم آن سوی شاتوده های زحمتکش... فریاد اعتراضی علیه جمهوری اسلامی خواهد بود. بکوشیم تا فریاد حق طلبانه خویش بر علیه انتخابات فرمایشی و جنگ خانمانسوز و بیکاری و گرانی و کشتار و شکنجه زندانیان سیاسی را رساتر سازیم.

مواداران فدائیان خلق (اکثریت) - سپروچرد

جشنواره جهانی مسکو: میعادگاه صلح، دوستی و همبستگی ضد امپریالیستی

بقیه از صفحه اول

دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان از تاریخ ۲۷ ژوئیه تا سه اوت ۱۹۸۵ (۵ تا ۱۲ مرداد ۱۳۶۴) در مسکو، پایتخت اتحاد شوروی برگزار شد. در این جشنواره، بیش از ۲۰ هزار نماینده از ۱۵۷ کشور شرکت جستند. این جشنواره تحت شعار صلح، دوستی و همبستگی ضد امپریالیستی به بزرگترین گردهمایی جهانی جوانان تبدیل گردید. جشنواره از دویخش سیاسی و فرهنگی تشکیل شده بود. در بخش سیاسی امکانات برای گسترده‌ترین تبادل نظر میان شرکت کنندگان در جشنواره فراهم بود. ۱۵ مرکز موضوعی که در هر یک، روزانه

پنجاه بحث و کنفرانس و میزگرد و ... برگزار می‌شد، به محل تبادل تجربیات مبارزات جوانان کشورهای گوناگون تبدیل شد. دهها میتینگ و راهپیمایی، در چارچوب برنامه‌های سیاسی جشنواره برگزار گردید. دهها

گروه هنری و فرهنگی از سراسر جهان، برنامه‌های بسیار متنوع و رنگارنگی را عرضه کردند. از سوی میزبانان برنامه‌های متنوع هنری و فرهنگی در سطح عالی تدارک دیده شده بود که دیدار از همه آنها به بیش از یک سال



وقت احتیاج داشت. شب هنگام، ت سینه‌دم، میادین و خیابانهای اطراف کرمیلین و میدان سرخ، با صحنه دیدار و پایکوبی هزاران جوان از سراسر جهان تبدیل می‌شد، دیدارهایی که روح دوستی و همبستگی در آن موج می‌زد. تک تک شرکت کنندگان در فستیوال مسکو، با کوله‌باری از نیرو و توان مضاعف برای ادامه کاروپیکاریه محل زندگی خود بازگشتند. تک تک آنها، گفتنی‌های زیادی دارند. تردیدی نیست این رویداد بیادماندنی را هیچ‌یک فراموش نخواهند کرد. در قلب همه آنها، روزهای بزرگ مسکو بعنوان بهترین ایام زندگیشان ثبت شده است.

مراسم پرشکوه اختتامیه فستیوال مسکو

ورزشگاه لنین، صحنه پرشکوه‌ترین وداع

که در چنین گرد هم آبی غنیمی از نمایندگان جریانات فکری، و اجتماعی گوناگون امری بدیهی است. مانع این نژددید که هستی مادر جریان جشنواره مباحثات و گفتگوهایمان را روی مسئله اساسی و همکاری، و اقدام مشترک ظیف وسیعی از نیروهای دمکرات، پیشرو و صلح دوست متعزز سازیم. این مسئله همانا مبارزه برای تحقق بخشیدن به حق مسلم هر انسان به زندگی در صلح و آزادی است.

پس، بخش متنوع برنامه اختتامیه، که شامل انواع و اقسام هنرنمایی‌های اعجاب انگیز هزاران ورزشکار و هنرمند بود آغاز شد. در این بخش ۱۶۰۰۰ نفر از موسیقیدانان، بالرین‌ها، بازیگران سیرک و ورزشکاران برجسته و سرشناس شرکت داشتند و هدیه‌ای بزرگ و فراخوش ناشدنی به ۲۰۰۰۰ هزار میهمان جشنواره از ۱۵۷ کشور جهان و دیگر شرکت کنندگان در مراسم تقدیم کردند. این جشن، براساسی تجسم شعارهای جشنواره و بازتاب صادقی از روح زندگی، شور و حرکت حاکم بر فستیوال بود. پس از اجرای مارشهای فستیوال توسط ارکستر سازهای بادی، ورزشکارانی از سراسر اتحاد شوروی با اجرای برنامه آکروبات و ژیمناستیک، فرش رتینی را بر زمین چمن استادیوم گسترده کردند.

لحظه وداع با دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان فرارسیده است. از ساعت‌ها قبل از آغاز مراسم اختتامیه، درپارک لنینی که مراسم اختتامیه در آن واقع شده، جوانان ۱۵۷ کشور حضور یافته‌اند. در استادیوم لنین سرودها و شعارها به دهها زبان دنیا طنین افکن است. خاطره‌های شش روزه بازگو و آدرسها رد و بدل می‌شود.

رأس ساعت ۲۱ به وقت مسکو، ژان کنود کنده، دبیر هماهنگ کننده کمیته بین المللی تدارک، به ۱۰۰ هزار نفر حاضر در استادیوم خوشامد گفت. وی اظهار داشت بیش از ۲۰ هزار نماینده در طول روزهای فستیوال گفتگو، صریح و آزادی را در باره ملیت وسیعی از مسائل انجام دادند، و افزود این امر امکانات بیشتری را برای مبارزه آتی جوانان جهان فراهم ساخت

کارلوس کاریسون کروز هماهنگ کننده جوانان ساندینیست ۱۹ ژوئیه نیکاراگوئه، پیام شرکت کنندگان در جشنواره به جوانان و دانشجویان جهان را قرائت کرد. حضار با کف زدنهای ممتد، دعوت از نسل جوان همه قاره‌ها برای متحد شدن به منظور جلوگیری از فاجعه هسته‌ای صرفنظر از عقاید مختلف را مورد استقبال قرار دادند. در پیام شرکت کنندگان در جشنواره آمده است:

"اختلاف نظر بر مسائل خاصی

گزارشی از مراسم گشایش دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان

مارش شکوهمند نمایان صلح و دوستی

گوناگون، به زبان موسیقی به هم سلام می‌دهند. واژه‌های آشنایی چون صلح، دوستی و همبستگی در فضا طنین افکن است.

شادمانی و پایکوبی، که همه تاروپود وجود تک تک میهمانان از آن لبریز است، همه واقیعت نیست. در بین چهره‌های خندان و شاد، چهره‌های ۴۰ هزار نماینده و میهمان از ۱۵۰ کشور، چهره‌های جدی، تکران و بیانگر مشغله فکری زیاد، بسیار دیده می‌شود. چهره میزبان آیا همه چیز به خوبی پیش خواهد رفت؟ آیا خواهیم توانست بدون تاخیر برنامه‌ها را برگزار کنیم؟ آیا از این آزمایش سخت سربلند بیرون خواهیم آمد؟ اما همه چیز حساب شده و طبق برنامه بود. هیچ چیز به اتفاق واکذا نشده بود. حتی ابرها را روز قبل با پرتاب راکت بارانده بودند تا هفت روز هوای آفتابی برای جشنواره تامین شود و آفتاب نیز به سهم خود گرمی بخش اجتماع جوانان باشد.

به محض ورود به استادیوم، بادریایی از انسانهاروبرومی شریم که هر یک بگونه‌ای، خود را برای مراسم آماده می‌کنند. تا چند دقیقه، زبان آدمی از عظمت این جشن پر شکوه جوانان بند می‌آید. به هم نگاه می‌کنیم، به ۱۰۷ هزار نفری که در یک لحظه شعارشان شعار ماست، و قلبشان چون قلبهای ما برای صلح می‌تپد. به خود می‌بالیم.

مسکو، سراسر جنب و جوش است. گذرگاههای پهناور این شهر پر صلابت، کوبی شریانهای تپنده‌ای است که عصاره جوانان جهان، خون تازه بشریت، در آن جاری است. خیابانها شاهد رژه میاتهای نمایندگان دهها کشور با لباسهای محلی ویا اونیفورم است. گسرومهای موسیقی، با آواهای شاد خود راهپیمایی به سوی استادیوم لنین راکه امروز قلب مسکو است، همراهی می‌کنند. در دو سوی کوچه‌ای که برای حرکت صف باز کرده‌اند، مردم شهر مسکو، مرد و زن، جوان، کودک و سالخورده ایستاده‌اند و با کله‌خندی بر لبانشان، دست تکان می‌دهند. اینجا و آنجا گروههای رقص و موسیقی از جمهوریهای گوناگون اتحاد شوروی هنر ملی خود را به نمایش گذاشته‌اند بهمه آنان گروه‌های مردم، میهمانان و میزبانان دست افشان و حرکت این موج هزاران نفره رابه عهده گرفته‌اند، خوشامدگویی و ادای احترام به میهمانان پایتخت کشور شوراها را فراموش نمی‌کنند.

به محوطه استادیوم، میعادگاه جوانان پنج قاره می‌رسیم. تنوع نواها و رنگها، به خوبی گستره امروزی جنبش جهانی جوانان برای صلح و ترقی را بازتاب می‌دهد. ملیتهای

مارش شکوهمند...

بقیه از صفحه قبل

بعنوان نخستین هیات، میزبانان جشنواره یازدهم، جوانان چریه آزادی، کوبا، میدان استادیوم را دور میزنند. کف زدنهای ممتد و فریادهای "کوبا سی، یانکی نوا" (کوبا آری، یانکی نه!) در ورزشگاه طنین افکن می شود. آنگاه سایر هیاتها به ترتیب حروف الفبا وارد استادیوم می شوند. هر هیات برای مشخص کردن، تعلق ملی خود، دست به ابتکاری زده است. رقص شورانگیز جوانان آفریقایی همانقدر جالب است که صف با لباسهای یک شکل.

یکی از نخستین هیاتها، هیات سازمان دمکراتیک جوانان افغانستان است که رفیق فرید مزدک، دبیر اول این سازمان در پیشاپیش آن حرکت می کند. در این لحظه، قنبدمان تندتر می تپد. هیات ایرانی، یکبارچه بیبا می خیزد و گرمترین احساسات خود را نشان می دهد. جوانان و مردم دلیر افغانستان می کنند. بدنبال ما، صد هزار نفر دیگر نیز با دست زدن و غریو شادی به

استقبال جوانان افغانی می روند. هنوز حرف "ام" تمام نشده که سراسر ورزشگاه خود را برای لحظه ای پرشکوه آماده می کند. لحظه ورود جوانان ساندنیست نیکاراگوئه به استادیوم. و آنگاه وقتی پرچم سیاه و سرخی که حروف آغای اف - اس - ال - ان، معرف جبهه رهایی بخش ساندنیست نیکاراگوئه، از پیچ ورودی استادیوم ظاهر می شود، دیگر هیچکس نشسته نمی ماند. شعارهای انقلاب نیکاراگوئه، و ورزشگاه لنین را یکبارچه شور و حرکت کرده است. نمایندگان نیکاراگوئه به این ابراز احساسات پر شور، پاسخ می دهند.

آخرین هیات، از کامسومول لنینی اتحاد شوروی است. پرچم اتحاد شوروی و پرچمهای ۱۵ جمهوری شوروی در دست میزبانان در امتزاز است. رفیق ویکتور میشین، دبیر اول کامسومول، و سایر اعضای رهبری این سازمان و کمیته شوروی تدارک جشنواره، وارد استادیوم شده و با استقبال گرم روبرو می گردند.

علاوه بر نطق میخائیل گارباجف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، رفقا ویکتور میشین دبیر اول کامسومول

(اتحادیه جوانان کمونیست شوروی) و ژان کلود کندی، هماهنگ کننده کمیسیون دائمی کمیته بین المللی تدارک، در مراسم افتتاحیه سخنانی ایراد کردند.

دو تابلوی عظیم استادیوم، فیلم برافروختن مشعلی را که میبایست آتش شعل بزرگ ورزشگاه را روشن کند، نشان دادند. یکی از قهرمانان جنگ کبیر میهنی علیه فاشیسم، از مزار سرباز گمنام دریای دیوار کرملین آتش را بر گرفت و به دست حمل کنندگان آن داد. یک پسر و دختر جوان - دختر یوری گاکارین نخستین کیهان نورد - آن را تا استادیوم لنین آوردند. آنگاه در میان موجی از شور و شوق صد هزار نفره، مشعل جشنواره برافروخته شد و هفت شبانه روز برافروخته ماند.

ادامه برنامه مراسم گشایش، به هنرنمایی های ورزشکاران و هنرمندان شوروی اختصاص داشت. زیبایی خیره کننده، نظم بی نظیر، هماهنگی کامل و برنامه ریزی دقیق از ویژگیهای این برنامه بود.

جشنواره مسکو در تاریخچه فستیوالهای جهانی جوانان و دانشجویان به عنوان نخستین جشنواره ای ثبت خواهد شد که در آن

سهم مهمی به کودکان اختصاص داشت. در مراسم گشایش جشنواره نیز کودکان با اجرای برنامه های هنری و ورزشی شرکت داشتند. شنیدن صدای زیر و دلتنشین این فرشته های کوچک که در خارج از استادیوم، با دیدن هر هیات خارجی، فریاد صلح، دوستی، فستیوال را سر می دادند، در هر کس پاک ترین احساسات انسانی را برمی انگیزد.

روپهم رفته در اجرای برنامه هنری و ورزشی مراسم گشایش، حدود ۱۸ هزار نفر اعم از ورزشکار، هنرمند، پیشاهنگ و دانش آموز شرکت داشتند. در گوشه ای از استادیوم، هزاران نفر با در دست گرفتن پرچمهای رنگی، "تصاویر زنده ای" ایجاب می کردند که محتوای همه آنها بیانگر شعار صلح، دوستی و همبستگی ضد امپریالیستی بود.

مراسم گشایش، روح جنبش و فعالیت، روح سرزندگی و پیویش در ما دمید. هنگامی که از ورزشگاه لنین بیرون می آمدیم، با توانایی مضاعف به استقبال هفت روز دیدار و گفتگو با جوانان جهان، هفت روز شرکت در بزرگترین گردهمایی سیاسی جهانی در تاریخ بشر می رفتیم. هفت روزی که در یاد و در قلب تک تک ما ثبت شد.

کردند.

سخنرانی رفیق ویکتور میشین، دبیر اول کمیته مرکزی کامسومول لنینی اتحاد شوروی با استقبال گرم شرکت کنندگان و میهمانان جشنواره روبرو شد. رفیق میشین با اشاره به دستاوردهای جشنواره در زمینه نزدیک تر کردن صفوف مبارزه جوانان برای صلح، دمکراسی و ترقی اجتماعی، اظهار امیدواری کرد که این دستاورد بصورت تقویت عملی مبارزه جوانان جهان علیه خطر جدی اتمی تبلور یابد.

به محض خاموش شدن مشعل جشنواره، دختر سفید پوشی از زیر مشعل بیرون آمد و در زیر نور چراغهای قوی استادیوم، مسافت از مشعل تا صحنه استادیوم را طی کرد. سبیل زیبایی از این واقعیت که پایان جشنواره، به معنای آغاز، دوباره در کار و مبارزه روزمره جوانان، در ادامه پر تلاش تر و پویاتر زندگی است. آتش بازی پر شکوهی به مراسم اختتامیه پایان داد. صد هزار نفر، سرود زندگی و مبارزه بر لب، دست در دست هم استادیوم لنین را ترک گفتند تا با نیرویی ده چندان، آینده ای زیباتر و روشن تر برای بشریت بسازند.

ورزشگاه لنین...

باله "دریاچه قو"

آنگاه نوبت به نمایش خیره کننده و زیبای باله "دریاچه قو" اثر چایکوفسکی رسید. در عرض چند ثانیه، در برابر چشمان مسحور شده ۱۰۰ هزار تماشاگر، صحنه زیبایی از یک دریاچه ناشایبی آبی رتت سر بر آورد. هنرمندان "بالشوی تئاتر" در روی پنج صحنه که نور آبی رتت زیبایی ترا روشن کرده بود، به هنرنمایی پرداختند. صد هزار چراغ قوه کوچک که میان تماشاگران توزیع شده بود، بوجی از نور دور تا دور استادیوم به جود آورده بود.

پس، صحنه استادیوم به سیرک

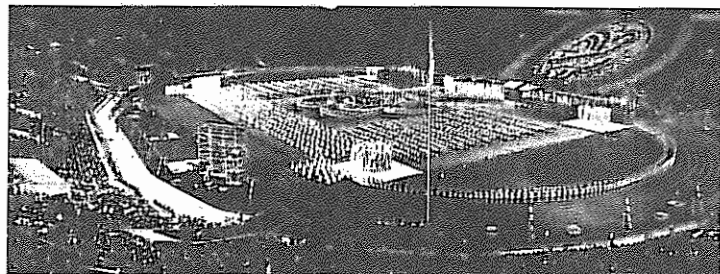


صحنه ای از نمایش "باله دریاچه قو"

پیکر به شکل دلقک دوزمهن استادیوم چرخ می زدند. دوجرا ثقال و دوبالان بندبازان را تا ارتفاع زیادی از سطح زمین بالا برده بودند، و آنها در آن ارتفاع سر گیجه آور، بند بازی می کردند. هنر نمایی بندبازان در ارتفاع ۱۰۰ متری، کف زدنهای ممتد حضار را بر انگیزد.

پس از پایان برنامه سیرک، ۲ هزار هنرمند، رقصهای خلقهای اتحاد شوروی را به نمایش گذاشتند. پنج دخترک با لباس "ماتریوشکا" سبیل فستیوال، نان و نمک در دست از سوی بیش از ۱۰۰ ملیت میهن خود شرکت کنندگان در فستیوال را بدرقه

تغییر شکل داد. صدها شعبده باز، بندباز، آکروبات و ... وارد استادیوم شده و به اجرای سخت ترین هنرمندیها پرداختند. مجسمه های غول



نمایی از ورزشگاه لنین در مراسم پایانی فستیوال

نمونه‌ای از دستگیریهای خیابانی

در جمهوری اسلامی افراد اگر خود به وسیله کشتهای رنگارنگ خیابانی دستگیر نشده باشند، بارها شاهد دستگیریهای خیابانی از فعالین سیاسی و مردم عادی بوده‌اند. رژیم خپل محسبین و کژمکان خود را در خیابانها ریخته است. آنها بر سر هر گذرگاهی کمین کرده‌اند و مترصد آنند که بانگ اعتراضی بر آید و در چشم رهگذری جرقه شکاری بدرخشد، تا شکار تازه را به چنگ و دندان گیرند و طعمه دیگری بر نعل جلا دان اوین نشانند.

گشتهای رنگارنگ ارگانهای سرکوب رژیم در خیابانها، نه از قدرت حکومت، بلکه از هراس آن حکایت می‌کند. دامنه اعتراضات مردم و حرکت نیروهای انقلابی آنچنان گسترده است که بر تعداد این کشته‌ها صد چندان نیز که افزوده گردد، باز قادر به مهار کردن مردم نیستند.

ماجرایی که در زیر می‌خوانید از نامه‌ای استخراج شده که به شرح نمونه‌ای از دستگیریهای خیابانی از مردم عادی اختصاص دارد. جریان مایع عینا شرح داده شده و فقط ردهای امنیتی آن حذف گردیده‌اند:

"آقای احمدی (اسم مستعار) که یکی از آشنایان ماست، مدتی پیش ناپدید شد. وقتی هوس او به در خانه ما آمد و گفت از فلانی دو روز است که اثری نیست، خیلی نگران شدیم. آخر سابقه نداشت آقای احمدی به جایی برود و قبلاً دست کم به هوس خبر ندهد. دو سه روز که گذشت نگرانیمان بیشتر شد. من حدس می‌زدم که او را دستگیر کرده باشند. اما برای چی؟ احمدی که سیاسی نبود. با این که دل خوشی از رژیم نداشت، اما سرش به کار خودش گرم بود. از روز سوم به بعد، هوس و برادر این آشنای ما شروع کردند به این و رو آن و سر زدن، پلیس، پزشکی قانونی، بیمارستانهای مختلف، کمیته‌ها ... اما از او اثری نبود که نبود. هوس داشت دیوانه می‌شد. دختر کوچکش نیز مرتب بی‌قراری می‌کرد. هفت هشت روز از قضیه گذشته بود که موضوع روشن شد. از طرف او این آمدند خانه او را بگردند. پس حدس من درست بود. آقای احمدی را دستگیر کرده بودند. در خانه او چیزی پیدا نکردند. از کتابخانه کوچک او چند تا کتاب معمولی برداشتند و بردند. مقداری هم از در و همسایه‌ها سوال کردند. گویا به مسجد معتدل هم سر زدند.

بعد از روشن شدن مساله، فعالیت‌های فامیل در مسیر دیگری افتاد. همه این در و آن در می‌زدند تا آخوند یا پاسدار ذینفوذی پیدا کنند تا از طریق آنها، دست کم بفهمند علت دستگیری چه بوده است. بالاخره تشنه‌هایشان کار ساز شد. با اعمال نفوذ آخوندی که توی دستگاه برو بیابای دارد و با گرو گذاشتن قبایله منزل و سپردن تعهد، آقای احمدی آزاد شد. فوراً به دیدنش رفتم. قبل از این که من جریان را از او بپرسم، او خودش شروع به صحبت کرد:

می‌رفتم. به خاطر مشکلی که برای یکی از همکارانم پیش آمده است، حسابی توی فکر بودم. به اطراف توجیهی نداشتم. ناگهان یک نفر دستم را گرفت و گفت: با من بیایید. این بر خورد غیر مترقبه بود. به همین خاطر من شگفت زده شدم. بعد از مقداری مکث پرسیدم برای چی؟ جواب داد بعد از می‌فهمید. بی اختیار همراهش راه افتادم. او مرا کنار یک ماشین پیکان برد و گفت: سوار خواهم شد. آقا یعنی چه! شما کی هستید؟ جواب داد: کشت کمیته. از او کارت شناسایی خواستم. با تشر گفت به تو مربوط نیست، برو بالا! به شدت اعتراض کردم. توجه عده ای از عابران به طرف ما جلب شد. کمیته چی وقتی چنین دید یک نفر از سه نفر سرنشین دیگر ماشین را به کمک طلبید. به زور سوارم کردند. در صندلی عقب یک نفر این طرف نشست و یک نفر آن طرف. دینرم. ماشین به سرعت به راه افتاد. من همچنان در حال اعتراض بودم. کسی که در سمت چپم نشسته بود و بعداً فهمیدم اسمش برادر عباس است چنان محکم با آرنج به پهلویم کوبید که نزدیک بود نفسم بند بیاید. بعد سرم را با فشار به سمت پائین خم کرده و چشمهایم را بستند. عباس شروع کرد به واری بدنم. کارت شناساییم را از توی کیفم در آورد و با خشم گفت: پدر سوخته‌ها تا کتابها که نفوذ نمی‌کنند! من همچنان به اعتراض ادامه دادم و گفتم آخرین کلام بگوئید برای چی مرا گرفته‌اید؟ اتهام چیست؟ کسی که بغل دست راننده نشسته بود گفت: خودت بهتر می‌دانی. معلوم نبود داشتی چه نقشه‌ای می‌کشیدی مادر... کافر، به موقع دستگیرت کردیم! گفتم این حرفها یعنی چه؟ همان شخص پاسخ داد: دو تا کشیده که خوردی دیگر بلبل زبانی نمی‌کنی! می‌خواستی سروصدا

راه بیندازی تا مردم جمع شوند و بتوانی فرار کنی؟ کور خواندی! حالا دینتر خفه شو! بعد شروع کرد بایی سیم حرف زدن. گرفتن یک شکار تازه را به روسایش خبر می‌داد.

مرا یکسر به اوین بردند. از همان دم در کتک و ناسزا شروع شد. اول مرا خوب واری بدن کردند و بعد داخل یک اتاق انداختند. نیم ساعت بعد بازجویی شروع شد. بازجو اول پرسید: کجا قرار داشتید؟ بکه خوردم. کدوم قرار؟ کشیده‌ای خواباند توی گوش. آخر نمی‌فهم برای چی دستگیرم کرده‌اید؟ سرم داد کشید. کیج و منک شده بودم. با هر سوالی بر میزان تعجبم افزوده شد.

بازجو رفت بیرون و ربع ساعت بعد برگشت. اگر خودت را به نفهمی بزنی ما هم روی سگمان بالا می‌آید. بقیه کجا رفتند؟ خلاصه از من انکار و از آنها اصرار. هر چی گفتم که بابا اشتباهی پیش آمده، من اصلاً سیاسی نیستم، از اداره بیرون آمدم رفتم به خانه یکی از همکارانم به نام فلان و به آدرس بهمان. حدود دو ساعت آنجا بودم. از آنجا رفتم که فلان چیز را بختم گیرم نیامد. داشتم می‌رفتم تابه ایستگاه اتوبوس برسم بروم منزل که مرا گرفتند. والسلام!

یک شبانه روز را این جور سرگردانم. کتک-بازجویی، بازجویی-کتک. آخرش خودشان خسته شدند. یک نفر آمد نزد من و گفت: انکار بیهوده است! ما کاملاً مطمئن هستیم تو از جلسه بیرون می‌آمده‌ای. از حالت متفکر معلوم بوده است. توی یک مغازه هم رفتی تابه قول خودت ضد تعقیب بزنی. از برخوردت با برادران پاسدار هم معلوم می‌شود که ریگی توی کشت هست. برای صدمین بار ناچار شدم بگویم به پیر به پیغمبر اشتباهی پیش آمده است. من کاره‌ای

نیستم. بروید بپرسید. از همکارانم از رئیس اداره‌ام، از انجمن اسلامی، از در و همسایه. دیر روز هم کاملاً معلوم است کجا بوده‌ام. بروید تحقیق کنید! طرف با کمال وقاحت گفت: حتی اگر همه حرفهایت درست باشد، به خاطر تردد از فرمان برادران پاسدار و اهانت به آنها - که امام آرزو می‌کند در کسوت آنان باشد باید یکی دو سال آب خنک بخوری تا آدم بشوی!

بالاخره دست از سرم برداشتند. گویا فهمیدند که اشتباه کرده‌اند. از قرار معلوم با انجمن اسلامی اداره تماس گرفتند و پیرونده‌ام را خواستند. چون که بعداً سوال پیچ کردند که چرا با فلان کارمند دستگیر شده اداره که کمونیست بوده است خوش و بش داشته‌ام. القصه همینطور مفت و مجانی یک ماه توی هلفدونی بودم. حالا در اوین چه دیدم و چه شنیدم بماند. هیتلر به این رژیم می‌گوید رویت سیاه! آخر سر از من تعهد گرفتند که هر وقت خواستند خودم را معرفی کنم. حتی دم آخر نیز می‌خواستند بر اینم پایوش بدوزند. جوانک بازجو فرمی را به من داد که پرکنم. در آنجا خواسته شده بود هر آدم سیاسی و مخالف رژیم را که می‌شناسم اسم ببرم. وقتی یارو دید از من چیزی نمی‌ماید کلی توپ تشر در کرد و بعد لج کرد و گفت باید قبایله منزل هم بیاورم. او مخالف آزاد شدن من بود. بدجوری به من پیله کرده بود. می‌گفت و جنات توشان می‌دهد مخالف رژیم هستی. هم این طور باشد. من از این ماجرا به این نتیجه رسیدم اگر بخوای در جمهوری اسلامی از سر کار اخراجت نکنند، اگر بخوای روز روشن تورا در خیابان دستگیرت نکنند، اگر بخوای با خیال آسوده در سطح شهر رفت و آمد داشته باشی، باید از قیافهات بلاغت بیبارد!

کمک‌های مالی رسیده

مسافری از ایران در برلین غربی	۱۲۰ مارک
کمک مالی از برلین غربی	۲۰ دلار
کمک مالی دوستی در کلن (آلمان فدرال)	۱۰ مارک
رفقای وایدن	۲۰ مارک
سوران از دارمشتات کمک مالی به نشریه "کار"	۵۰ مارک
رفیق ناصر معادل یک روز حقوق	۱۰۰ مارک
رفیق افشین	۵۰ مارک
رفیق صادق	۸۵ مارک
۵۰۰ صد ازم. ر.	۱۰۰ مارک
کمک مالی به نشریه "اکثریت" (از ۲۲)	۵۰ مارک
از "گهواره" کردستان	۱ دلار
کمک مالی به خانواده زندانیان فدایی، از مون پلیر	۲۰۰ فرانک

هزینه این شماره نشریه را رفیق جعفر. د. از اس (آلمان فدرال) تامین کرده است.

در ماه ژوئیه، سیاست آمریکادر بال لبنان شکست جدیدی را در این شور خون داده و رنج دیده پذیرا شد. تلاش برای محاصره فرودگاه بیروت به عنوان پاسخی به بودن یک رژیم آمریکایی توسط شیعیان، افرجام ماند. تحریم فرودگاه و کت هوایی لبنان از سوی واشنگتن نیز از لندن از جانب هیچیک از نحدین آمریکا مورد پشتیبانی قرار گرفت، و حمایت لندن هم تنها لفظی ود. در میان کشورهای عربی، حتی نیایی که آمریکاییها "دوست" عناشان می کنند نیز به خشم آمدند. ین عکس العمل به خشم هم محدود ماند. نیویورک تایمز نوشت: کشورهای دوست عربی ناگهان از اعریم هواپیماها و کشتیهای مریکایی سخن می گویند.

در لبنان، اقدام خصمانه مریکا به جای ترس به احساسات یهنی وضد آمریکایی دامن زد، آن هم قول یک مفسر تلویزیون ای-بی-ی "مستقل از اعتقادات مذهبی". در وض تل آویو برای ایالات متحده کف د، که آن نیز البته بدون گوشه چمنی ه منافخ خودی نبود، چرا که اسرائیل ز موقعیت متشیخ بر ای حمله هوایی به ردوگاههای فلسطینی در شمال لبنان به به قیمت جان لا اقل ۲۰ نفر تمام شد، ستفاده کرد.

در این شرایط، واشنگتن عقب شینی را مصلحت دانست و شروع به وجیه عمل خود نمود. آمریکا ادعا کرد نه خواهان آسیب رساندن به لبنان یست، بلکه می خواهد "تنها امنیت نوایمایی" را تضمین کند. یک سختوی رسی کاخ سفید اظهار داشت یالات متحده بطور کلی از "تلاشهای بنانیها برای تقویت دولت مرکزی بازسازی ارگانها، احیای ثبات در شور و گسترش قدرت دولت مرکزی به سراسر کشور" پشتیبانی می نماید.

بسیار خوب. اگر اینطور باشد، این امر در سیاست آمریکا در قبال لبنان به معنای پرخشی به میزان ۱۸۰ درجه خواهد ود. یک روزنامه نگار درباره این سیاست چنین نوشته است: "این، سیاست نیست، انتقام جویی کور است". و وقتی سخن از انتقام می رود، دیگر تنها هواپیما ربایی، که در آن لبنان به مقابله دولت، کوچکترین نقشی نداشت، مطرح نیست. مطلب بر سر انتقام از روی احساسات، آنگونه که بعضا ادعا می شود هم نیست. نه، دولت آمریکایی کوشد از یک ماجرای پایان یافته بهره گیرد، یا دقیقتر بگویم، احساساتی را که در بسیاری از

آمریکاییها بر اثر موقعیت توام با تحقیر ایالات متحده در جریان کروگان گیری و بر اثر نگرانی قابل فهم پیرامون سرنوشت گروگانها برانگیخته شد، وارد یک بازی سیاسی کند. چرا؟ ثابتواند بابت شکستهای قبلی انتقام بگیرد: برای چشم پوشی لبنان از "قرارداد صلح" اسارت باربا اسرائیل که شولتز وزیر خارجه آمریکا آن را اندکی پس از تجاوز اسرائیل به لبنان تحمیل کرد، برای مرگ

تراژدی لبنان تنها برای اعراب آموزنده نیست

در ورای خونریزها

دیمیتری ولسکی - عصر جدید، شماره ۲۰، سال ۱۹۸۵

تفنگداران آمریکایی و عقب نشینی "نیروهای چند ملیتی" ناتو که بدنبال مداخله گران صهیونیست وارد لبنان شده بودند، و بالاخره برای بن بست سیاسی که بر حمایت از تجاوز اسرائیل استوار است، بن بستی که پیوسته آشکارتر می گردد.

چه چیز روی داده است؟ نتایج تجاوز دقیقاً خلاف آن است که منظور متجاوز بود. این امر اکنون بر همه آشکار است. از جمله، تشریه "فاینانشل تایمز" می نویسد: "اسرائیل با این امید دست به مداخله زد که ساف را نابود کند، یک "دولت دوست مسیحی" را به قدرت برساند و به سوریه یک شکست نظامی تحمیل نماید. پس از سه سال، ارتش اسرائیل ناچار به عقب نشینی شد... گروهای مسیحی تضعیف شده اند، در حالیکه نیروی رزمی سوریه و نقش آن در حیات سیاسی لبنان باز هم افزایش یافته است."

چه کسی امروز بابه یاد آوردن تلاش برای تبدیل لبنان به یک پایگاه پنتاگون لیخنه نمی زند؟ نه تنها تفنگداران دریایی آمریکا، بلکه بسیاری از دیپلماتهای این کشور نیز ناچار به خروج از این کشور شدند. به آمریکاییها رسا هشدار داده می شود که حتی برای انجام کار هم نباید به لبنان سفر کنند و حتی اگر فصل گرما هم باشد، سواحل وهتلای لوکن لبنان را به فراموشی سپرند.

هیچ کس از میان کسانی که ۱۰-۱۵ سال پیش از لبنان دیدن کرده اند فراموش نکرده است که بیروت مرکز مالی و پترین سرمایه داری در خاور نزدیک بود. امروز این پترین درهم شسته، بانکها ویران شده اند، خیابانها پر از آواره، گورستانها پر از

قبرهای جدید و بیمارستانهایی که هنوز ویران نشده پر از زخمیهای جدید است. تنها ۱۲۰ هزار معلول وجود دارد! تخمین می زند که نوسازی کشور کمتر از ۱۰ سال بطول نخواهد انجامید و ۲۰ میلیارد دلار هزینه بر خواهد داشت.

اما فعلاً هیچکس به این امر فکر نمی کند، چیزی که تعجب آور هم نیست. کرامی نخست وزیر می گوید دولت وی "علاقه قدرتی ندارد". همان

دولت وحدت ملی که امروز هم بسیاری امیدها به آن بسته اند. قدرت واقعی در بسیاری روستاها و محلات شهرها در دست فلان "میلیشاست. این نام، عنوان گروهای شبه نظامی جوامع مختلف مذهبی است. اوضاع آنچنان وخیم است که درگیریهای مسلحانه در مواردی از دعوی شخصی دو جنس و آغاز می شود، آنهم نه تنها میان مسیحیان و مسلمانان، بلکه همچنین در بین خود همین جوامع مذهبی. زندگی انسان فاقد هر ارزش شده است. یک نسل کامل پرورش یافته که برایش جنگ داخلی شیوه زندگی است.

اما تراژدی لبنان مرهمی بر زخمهای دشمنان این کشور است. در تل آویو، هرج و مرج لبنان را جبرانی برای مداخله شکست خورده می دانند. چرا که تل آویو هیچگاه تمایل دهه ساله خود را به ایفای نقش پایگاه اصلی سرمایه داری غرب در خاور نزدیک پنهان نکرده است. ظاهراً واشنگتن هم با انتقال مرکز مالی خاور نزدیک به اسرائیل مخالفتی ندارد. راههای گوناگون برای ادامه روند کمپ دیوید بعنوان نوعی تسلیم، اینک در دست تدوین است و از لحاظ اقتصادی دقیقاً همین هدف را دنبال میکند. طبق این نقشه ها، قرار است درهای یک کشور عربی، و سپس یک کشور دوم و یک کشور سوم برای کالاها و به ویژه سرمایه اسرائیل باز شود. بیپوده نیست که بار دیگر نقشه ایجاد یک "بازار مشترک" در خاور نزدیک که در سالهای هفتاد از سوی معاون نخست وزیر وقت اسرائیل، ایخال آلون، ارائه شده بود، مطرح می گردد. اما همه می دانند که سرمایه داری اسرائیل

مستقل نیست. سرمایه اسرائیلی در آفریقا و آمریکای لاتین مدتهاست نقش جاده صاف کنی را ایفا می نماید که در پشت سر آن بانکها و شرکت های فرا ملیتی غربی و به ویژه آمریکایی قرار دارند. روشن است که بکارگیری سرمایه اسرائیلی در خاور نزدیک بسیار راحت تر از سایر مناطق خواهد بود.

می توان فرض را بر این گذاشت که این حسابها متکامی که در یک گوشه از راهروهای قدرت در واشنگتن تصمیم نه چندان آسان دست کشیدن از لبنان گرفته می شد، نقش مهمی ایفا می کرد. لبنان را دیتر نه نظام اجتماعی بورژوازی و نه یک نمام به قول غربی "میاندهو" نمی توانست نجات دهد. "ویرترین" را حفظ نکردند. این باید کسانی را که از عقل خود استفاده می کنند، در برخی دیگر از کشورهای در حال رشد به فکر بیندازد.

یک موضوع دیگر هم برای اندیشیدن وجود دارد: بدون شک دخالت اسرائیل و اقدامات آمریکابه تفرقه ملی در لبنان دامن زده است. اما تنها میتوان به چیزی دامن زد که قبلاً وجود داشته باشد. اگر رهبران راستگرای مسیحیان مارونی روی کمک اسرائیل در حفظ امتیازاتی که بر اثر تقسیم پستهای دولتی و نظامی بر مبنای اصل تعلق به جوامع مذهبی بدست آورده اند، حساب نمی کردند، اوضاع این کشور اکنون به توندهای دیگر می بود. همچنین این سؤال مطرح می شود که آیا خواسته برخی رهبران شیعیان، که مدتهای زیادی تحت ستم بوده اند، مبنی بر ایجاد "جمهوری اسلامی" به سبک ایران در لبنان با همه تنوع گروهای مذهبی اش، در خدمت عادی ساختن اوضاع است. ازمم اکنون این خواسته از سوی امپریالیستها برای ترساندن سایر جوامع مذهبی و دامن زدن به جنگ داخلی مورد استفاده قرار گرفته است.

تجربه تلخ لبنان می آموزد که برای کشورها رشد یابنده پختگی سیاسی، استقامت و انعطاف پذیری مذهبی تاجه حد مهم است. چرا که کشورهای رشد یابنده دیگری هم وجود دارد که بسیار بزرگتر از لبنان اند و در آنها نیز تنوع مذاهب و اقوام اوضاع انفجاری ای را ایجاد کرده است. در این کشورها به وضوح می بینیم که چگونه امپریالیسم بذرفناق می پاشد و گرایشهای جدایی طلبانه را تقویت می کند. سیکهای هند یک نمونه اند. سرنوشت بقیه در صفحه ۱۱

جوانان فدایی در جشنواره مسکو

بقیه از صفحه اول

ضد فاشیستی، مرکز همکاری اقتصادی، استقلال ملی، رشد و نظام نوین اقتصادی، مرکز مسائل بحران اقتصادی و تأثیرات اجتماعی و سیاسی آن، مرکز جنبش غیر متعهد و مرکز سال جهانی جوانان نیز نمایندگان سازمان جوانان فدایی حضور یافتند و در بحث‌ها شرکت جستند.

جوانان فدایی در مراکز موضوعی بیست سخنرانی داشتند. در مرکز صلح و خلع سلاح، مواضع سازمان در مورد صلح جهانی و منشا خطرانی که متوجه آنست، محکوم ساختن امپریالیسم آمریکا به مثابه مسئول اصلی دامن زدن به تشنجات بین‌المللی و سابقه تسلیحاتی و حمایت از پیشنهادها و ابتکارات اتحاد شوروی برای پایان دادن به سابقه تسلیحاتی بر روی زمین و جلوگیری از آغاز آن در فضا، تشریح گردید. محور سخنرانی‌ها در این مرکز، جنگ ایران و عراق و فجایعی بود که ادامه آن برای مردم و جوانان ایران به بار آورده است. طی سخنرانی‌ها، امپریالیسم به عنوان تنها طرف ذینفع در ادامه جنگ بی‌شر ایران و عراق، ورژیم خمینی به عنوان مسئول اصلی ادامه آن، افشا و محکوم گردیدند. تأثیر جنگ بر زندگی جوانان ایران و ترویج کیش جنگ‌پرستی و زور توسط رژیم خمینی و نیز مبارزه جوانان و سایر مردم علیه جنگ، محورهای دیگر سخنان نماینده جوانان فدایی بود.

در مرکز همبستگی ضد امپریالیستی نیز توطئه‌های امپریالیسم برای نظامی کردن منطقه

اقیانوس هند و خلیج فارس در وراز پرده دودی که جنگ ایران و عراق ایجاد کرده، موضوع سخنان نماینده سازمان جوانان فدایی بود. در این مرکز مواضع سازمان در حمایت از انقلاب افغانستان، پیکار رهایی بخش ملی خلقهای فلسطین و لبنان، انقلاب نیکاراگوئه و... تشریح گردید.

در مرکز حقوق جوانان کارگر، ضمن تشریح سیاست کارگر ستیزی رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی که لبه تیز آن متوجه جوانان تارگر است، نحوه زندگی و مبارزه جوانان کارگر در ایران، سطح تشنگی و آمادگی رزمی آنان و مسائل دیگری در این رابطه مورد اشاره قرار گرفت.

در مرکز سال جهانی جوانان، نماینده جوانان فدایی سخنرانی مبسوطی پیرامون تاریخچه اعلام سال جهانی جوانان از سوی سازمان ملل متحد، اهداف آن و فعالیت‌هایی که در سطح جهان در رابطه با این سال انجام گرفته، ایراد نمود و وضعیت کار و زندگی و تحصیل قشرهای مختلف جوانان ایران تشریح شد. این سخنرانی مورد استقبال ویژه‌ای قرار گرفت.

شرکت زنان جوان فدایی در مرکز حقوق زنان جوان نیز با موفقیت زیادی همراه بود. آنها طی سخنرانی‌هایی، تشنجات ارتجاعی رژیم قرون وسطایی خمینی برای راندن زنان ایران بنور اعم و زنان و دختران جوان بطور اخص از عرصه‌های گوناگون فعالیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی

را افشا کرده و به تشریح گوشه‌هایی از مبارزات زنان ایران علیه این رژیم پرداختند.

در مرکز بین‌المللی دانشجویی، نماینده جوانان فدایی علاوه بر شرکت در هیئت رئیسه و اداره یکی از بحثهای مرکز، سخنرانی‌هایی نیز درباره کارنامه ننتین رژیم جمهوری اسلامی در مراکز آموزشی و مبارزات دانشجویان ایران علیه سیاستهای ارتجاعی و خائنه رژیم ایراد نمود.

مرکز کودکان نیز یکی از مراکزی بود که نمایندگان جوانان فدایی در بحثها و ملاقاتهای آن شرکت جستند و به انعکاس دادن وضع کودکان ایران در شرایط حاکمیت رژیم سرکوبگر، جنگ طلب و ارتجاعی خمینی پرداختند.

علاوه بر ۱۵ مرکز، در جشنواره مسکو "دادگاه بین‌المللی ضد امپریالیستی" نیز برگزار گردید که در آن، در عرض چند روز صدها تن از نمایندگان کشورهای مختلف، بنام جوانان جهان، امپریالیسم را به دلیل دامن زدن به سابقه تسلیحاتی و به خطر افکندن صلح جهانی، به دلیل سیاست تروریسم دولتی و تجاوز به حاکمیت تمامیت کشورهای مستقل، به دلیل لگد مال کردن گرانادای کوچک، به دلیل حمایت از آپارتاید و صهیونیسم، به دلیل تهدید نیکاراگوئه انقلابی و کنگ به سیاه‌ترین نیروهای مرتجع ضد افغانی محکوم کردند. نماینده جوانان فدایی در کار این دادگاه شرکت فعال داشت و طی سخنانی، اقدامات ماجراجویانه و تجاوز کارانه امپریالیسم آمریکا در منطقه خاور میانه، و به ویژه توطئه علیه انقلاب ثور افغانستان را محکوم کرد.

بر زبان رانده شد که ظاهراً تمام توجه دولت آمریکا متوجه هواپیمای ربوده شده به لبنان بود: "برای ایالات متحده، آمریکای مرکزی جالب است نه لبنان". دولت نیکاراگوئه این اظهارات را به حق با برخی فعالیت‌های آمریکا مرتبط دانسته و طی یک بیانیه اعلام داشت: "ایالات متحده مرک تفنگداران دریایی‌شان در لبنان را بهانه انتقام جویی‌ای قرار دادند که به اشغال گرانادا انجامید. دولت ریکان می‌کوشد این ماجرا را تکرار کند." بسادگی قابل پیش بینی نیست که واشنگتن کی و کجا به انتقام جویی بعدی دست خواهد زد. اما این به سود خود آمریکان نیز هست که شکست تلاش برای مجازات لبنان از طریق تحریم بین‌المللی فرودگاه بیروت و نیز

امپریالیستی است، باید گفت کل جهان سوم آماج آن است. دگرگونی‌های اجتماعی در کشورهای رها شده، تلاش آنان برای اجرای سیاستی مستقل، مقاومتشان در برابر زورگویی غرب - این همه را امپریالیست‌های خطرناک جهانی می‌دانند. امپریالیسم در صد گرفتن انتقامی است که ابعاد آن هم جهانی است. تصادفی نیست که کاخ سفید پس از آنکه اقدامات ضد لبنانی‌اش با شکست مواجه شد، کشورهای گوناگون در حال رشد را از خاور دور تا آمریکای مرکزی آماج تهدیدات خود قرار داد و آنان را "حامیان تروریسم" نامید. این فقط تهدید نبود. در غیر این صورت، چخونه باید این سخن را برت مک‌فارلین مشاور امنیتی کاخ سفید را تعبیر کرد که درست زمانی

در ورای خونریزها

بقیه از صفحه ۹۶

غم انگیز لبنان همچنین به همان وضوح نشان می‌دهد که این خصومت‌ها حتی در کشوری که می‌توان با اتومبیل یک ساعته از آن عبور کرد، به چه چیز می‌انجامد و چه خطراتی در بر دارد. حال فرض کنیم این گرایش‌ها که مصنوعاً به آن دامن می‌زنند، یک شبه قاره کامل را در بر گیرند. چنین امری چه خطراتی برای جهان و به ویژه جهان سوم ببار خواهد آورد؟ بیپوده نیست که مثلاً روزنامه کویتی الوطن هشدار می‌دهد آمریکا قصد دارد خاور نزدیک را به منطقه آزمایش اختلافاتی به سبک لبنان تبدیل کند.

حال که سخن از انتقام جویی

سخنان جوانان فدایی در مراکز با استقبال گرم و تشویق شرکت کنندگان در بحثها روبه‌رو شد. نمایندگان سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) که برای نخستین بار در چنین گردهمایی عظیمی شرکت می‌کردند، توانستند تاحد امکان جوانان سایر کشورها را با زندگی مبارزات جوانان ایران آشنا ساخته و توجه آنان را به مسائل حاد و میر جوانان ما جلب نمایند. جوانان فدایی در این جشنواره، همه جا به عنوان مدافعین ثابت قدم صلح جهانی و نیروهای دمکراسی، صلح، استقلال، سوسیالیسم شناخته شدند. سخنان پر شوری که نمایندگان سازمان جوانان فدایی در دفاع از انقلاب خلق برادر افغانستان ایراد کردند، همه جا به استقبال گرم روبه‌گردید.

علاوه بر شرکت در کار مراکز، جوانان فدایی با برگزاری نمایشگاههای عکس از فجایع جنگ ایران و عراق و نیز بخش عکس‌هایی از آثار جنگ بر روی کودکان، جوانان ایرانی، به افشا و محکوم کردن مسبب ادامه این جنایات پرداختند.

در حاشیه برتزارن جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان، نمایندگان سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثریت) در ملاقاتهایی با نمایندگان سازمانهای ترقیخواه و انقلابی جوانان از کشورهای دیگر، به تبادل نظر و انتقال تجربه در مورد سازماندهی مبارزات جوانان پرداختند و ضمن ابراز همبستگی با پیکار جوانان این کشورها، نمایندگان هیاتهای دیگر را در جریان گوشه‌هایی از مبارزات جوانان ایران برای صلح، آزادی، استقلال و پیشرفت اجتماعی گذاشتند.

اظهارات خود در مورد "حمایت از تلاش برای ثبات در لبنان" را جلدی بگیرد. لبنانی‌ها دست به چنین تلاشی برای احیای ثبات زده‌اند. البت آنها روی کمک آمریکا حساب نمی‌کنند، چرا که دلیل کافی برای تردید ورزیدن نسبت به صداقت آن در دست دارند. اکثریت مردم لبنان به سوی دیگری نظر دوخته‌اند. در روزهای پر ماجرای نیمه اول ژوئیه سیاستمداران علیرتبه لبنان به دمشق رفته و در آنجا به اتفاق رهبری سوریه سندی را تدوین کردند که قرار است پلاتفرم "تفاهم ملی" بر مبنای "محو تقسیم بندی کنونی کشور" و احیای وحدت آن باشد.

این امر نه تنها به سود لبنان، بلکه به سود همه جهانپان خواهد بود.

کشورهای ترقیخواه عرب

اجلاس کازابلانکا را تحریم کردند

به دعوت ملک حسن پادشاه مراکش، اجلاسی از سران برخی کشورهای عربی در کازابلانکا (مراکش) برگزار شد. کشورهای ترقیخواه عرب، این اجلاس را به علت نامناسب بودن مقطع زمانی تشکیل آن تحریم کردند. کشورهایی که از شرکت در این نشست خودداری ورزیدند، عبارت بودند از سوریه، یمن، دموکراتیک، الجزایر و لیبی.

عبدالله الاحمر، معاون دبیر کل حزب بعث سوریه در مصاحبه‌ای اظهار داشت سوریه دعوت به تشکیل اجلاس سران عرب را محکوم می‌کند و افزود آنهایی که با فکر چنین نشستی موافقت کردند، از سیاستهای آمریکایی - اسرائیلی در منطقه پیروی نموده و می‌کوشند چارچوب معاهده تسلیم طلبانه کمپ دیوید را گسترش دهند.

همچنین یک سخنوری رسمی وزارت امور خارجه جمهوری دموکراتیک خلق یمن در بیانیه‌ای اظهار داشت یمن دموکراتیک معتقد است فراخواندن اجلاس اضطراری سران عرب در لحظه کنونی که به پیشنهاد ملک حسن انجام گرفت، مغایر با مصالح اعراب بوده و به امر تحکیم صفوفشان لطمه وارد می‌آورد. در ادامه این بیانیه آمده است که تشکیل اجلاس سران در شرایط فقدان اتفاق نظر میان دولتهای عرب و نیز در شرایطی که تدارک کافی برای آن انجام نگرفته و پیرامون دستور جلسه توافق قبلی حاصل نشده است، تنهایی تواند به تشدید شکاف میان اعراب منجر شود.

تشکیل وسیعترین ائتلاف نیروهای ملی در لبنان

هفته گذشته، نیروهای ملی لبنان "جبهه اتحاد ملی لبنان" را تشکیل دادند. این جبهه در شرایطی تشکیل می‌گردد که مقاومت علیه نیروهای اشغالگر اسرائیلی در جنوب این کشور روبه افزایش است و نیز هر از چندی، نبردهای مسلحانه در بیروت از سر گرفته می‌شود.

بیش از ۱۰ حزب و سازمان سیاسی به همراه حدود ۲۰ شخصیت مستقل، بر سر برنامه‌ای برای غلبه بر بحران کشور توافق کردند. در این برنامه، رؤس اساسی همکاری در چارچوب این اتحاد که بزرگترین و گسترده‌ترین ائتلاف نیروهای سیاسی در تاریخ لبنان است، چنین بر شمرده شده است: "آزادی کامل کشور، تضمین وحدت ملی و هویت عربی لبنان و نیز به کرسی نشاندن اصلاحات دموکراتیک". مورد آخر، به ویژه شامل پایان دادن به معیارهای مذهبی - عقیدتی‌ای است که ساختار دولتی لبنان تاکنون بر آن استوار بوده است.

علاوه بر حزب کمونیست لبنان و حزب ترقیخواه سوسیالیست (به رهبری ولید جنبلاط) جنبش شیعی امل نیز در این اتحاد شرکت دارد. سازمان امل برای نخستین بار به چنین اتحادی پیوسته است.

از سوی دیگر، نیروهای راستگرا نیز کوشیده‌اند محافل نزدیک به خود را به منظور تحکیم مواضعشان در دفاع از نظام کهن، منسجم‌تر سازند. از جمله، پس

از هفت سال میان شبه نظامیان راستگرا و نیروهای طرفدار سلیمان فرنجیه رئیس جمهور پیشین لبنان آشتی برقرار شده است.

به نوشته مطبوعات بیروت، صف بندی جدید نیروهای سیاسی در لبنان و دو قطبی شدن آن می‌تواند به حل بحران پاری رساند. "النهار" می‌نویسد این روند امکان آغاز گفتگو بین طرفین متخاصم را فراهم می‌سازد. اما همه ناظران سیاسی متفق القولند که به هیچ وجه نمی‌توان انتظار راه حل‌های پرنمود را داشت.

تبعید ۱۴ شخصیت اپوزیسیون در شیلی

هفته گذشته رژیم فاشیستی پینوشه به عنوان واکنش در برابر اوج گیری مبارزات مردم شیلی، دست به اقدام سرکوبگرانه دیگری علیه اپوزیسیون این کشور زد. چهارده شخصیت اپوزیسیون به دستور پینوشه به جزیره دور افتاده‌ای در جنوب این کشور تبعید شدند. این چهارده نفر، از رهبران سندیکاها و سازمانهای حقوق بشر هستند که چند روز پیش دستگیر شده بودند.



روز سه شنبه در مرکز شهر سانتیاگو پلیس برای متفرق کردن تظاهراتی که به دعوت احزاب مخالف انجام گرفته بود، از ماشینهای آب پاش استفاده کرد. این تظاهرات در چارچوب تدارک "روز اعتراض در دفاع از زندگی" انجام گرفت. همچنین در جریان تشییع جنازه یک پسر بچه ۱۲ ساله که به ضرب گلوله پائیس کشته شده بود، تظاهراتی به دفاع از احیای دموکراسی برگزار شد.

علیرغم تشدید سرکوب، مقاومت مردم

آفریقای جنوبی گسترش می‌یابد

رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی با وجود اعتراضات فزاینده بین‌المللی به اقدامات وحشیانه و تروریستی خود علیه مردم سیاهپوست این کشور ادامه می‌دهد. از جمله در شهر "لامونت ویل" پلیس جمعیتی را که دست به اعتراض علیه حکومت نظامی زده بودند، با گاز اشک آور مورد حمله قرار داد. اما تشدید سرکوب، نتوانسته است جلوی گسترش مقاومت مردم در برابر رژیم آپارتاید را بگیرد. در سوتو، دانشجویان به منظور ابراز همبستگی با یاران دستگیر شده خود، دست به اعتصاب زدند و اعلام کردند تا وقتی همه جوانانی که پس از برقراری حکومت نظامی دستگیر شده‌اند آزاد نشوند، از رفتن به سر کلاسهای درس خودداری خواهند کرد.

هفته گذشته، بدنبال یک وقفه چند هفته‌ای، محاکمه ۱۶ تن از اعضای "جبهه متحد دموکراتیک" که در برگیرنده نیروهای مخالف نژاد پرستی است، در

شهر "پیتر ماریتسبورگ" از سر گرفته شد. در میان متهمین اسامی روسای این جبهه دیده می‌شود. در آستانه از سرگیری جلسات دادگاه، ویکتوریا منگه وکیل زن سیاهپوست که دفاع از میهن پرستان را بر عهده داشت، در برابر خانه خود هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد. مسئول قتل این وکیل، دستجات فاشیستی وابسته به رژیم هستند که در گذشته نیز چند تن از رهبران "جبهه متحد دموکراتیک" را به قتل رسانده بودند.

وینی ماندلا، همسر نلسون ماندلا رهبر اسیر کنگره ملی آفریقا بدنبال یورش عوامل رژیم نژاد پرست به منزلش، توسط دوستان خود به مکان امنی انتقال یافت. در جریان این یورش، چند تن از اعضای خانواده ماندلا دستگیر شدند. پلیس رژیم آپارتاید با توسل به گاز اشک آور، وارد خانه شده و آنجا را مورد تفتیش قرار داد.

۱۷۲ خانوار در کابل

زمین دریافت کردند

بیش از ۱۷۲ خانوار دهقانی در استان کابل تا کنون زمین دریافت کرده‌اند. این آمار را رئیس کمیسیون اصلاحات آبی و ارضی استان در گفتگو با خبرنگاری باختر اعلام داشت. وی افزود در این استان ۷۰ شورا دهقانی و ۱۰ کمیته مصرف کنندگان آب تشکیل شده است. در استان کابل سه هزار دهقان در ۴۸ تعاونی کشاورزی عضویت دارند. دولت افغانستان از طریق رد اختیار گذاشتن کود، بذر مرغوب و سموم ضد آفت و نیز اقدامات دیگر، از روند اصلاحات ارضی و آبی حمایت می‌کند. دهقانان این کنکها را به رایتان و یاب بهای بسیار نازل دریافت می‌دارند.

دهلی - شاه محمد دوست وزیر خارجه جمهوری دموکراتیک افغانستان دوشنبه گذشته برای یک دیدار پنج روزه از هند وارد دهلی شد. وی مورد استقبال خورشید عالم خان وزیر مشاور در امور خارجه هند قرار گرفت. شاه محمد دوست در یک بیانیه مطبوعاتی مراتب تشکر کشورش را بابت کمک هند به رشد اقتصاد ملی افغانستان ابراز نمود.

تحویل قریب الوقوع هواپیماهای

اف ۱۶ به پاکستان

خبرنگار روزنامه هندی "فری پرس جورنال" در واشنگتن گزارش داد که رژیم نظامی پاکستان به زودی سری جدیدی از شکاری-بمب افکنهای اف ۱۶ آمریکایی را دریافت خواهد کرد. روزنامه مزبور، منبع این خبر را محافل نزدیک به وزارت خارجه آمریکا و پنتاگون ذکر کرده است. تحویل این هواپیماها در چارچوب طرح موافقتنامه نظامی و اقتصادی ۶ ساله میان آمریکا و پاکستان در نظر گرفته شده که قرار است از ۱۹۸۷ اجرا شود.

جزئیات قرارداد جدید که قرار است جانشین قرارداد ۲۲۰۰ میلیون دلاری کنونی شود، در حال حاضر از سوی دو طرف در دست تدوین است. به گزارش خبرنگاری هندی "پرس تر است آو ایندیا" پاکستان بر افزایش شدید کمک نظامی آمریکا پافشاری می‌کند. اسلام آباد خواهان دریافت هواپیماهای آواکس از آمریکا است.

مصاحبه "اکثریت"

بارفیک ولفگانگ گرکه، عضو هیأت رئیسه حزب کمونیست آلمان

از سوی نشریه اکثریت مصاحبه ای با بارفیک ولفگانگ گرکه صورت پذیرفت. در این مصاحبه رفیق گرکه که اخیراً به عضویت هیأت رئیسه (هیئت سیاسی) حزب کمونیست آلمان انتخاب شده است به سوالات خبرنگار ما در مورد صلح جهانی وضعیت ایران و... پاسخ گفت که اینک به نظر شما می رسد.

س - شما اخیراً به عضویت هیئت رئیسه ح - ک - آ انتخاب شدید. می خواستیم نظر شما را درباره این انتخاب بدانیم.

ج - در اجلاس اخیر هیئت رهبری (کمیته مرکزی)، رفقای مسئول سازمانهای ایالتی "بادن ورتمبرگ" و "روهه-وست فالن"، صدر سازمان جوانان کارگر سوسیالیست آلمان (SDAY) و خود من بعنوان مسئول ایالتی هامبورگ به عضویت هیئت رئیسه حزبمان انتخابات گردیدیم.

ما امیدواریم که با این انتخاب رهبری حزب رابطه فشرده تری با سازمان های ایالتی نیرومند حزب برقرار کند تا بدین ترتیب بتوانیم در روند مبارزات سیاسی، سریعتر و موثرتر عمل نماییم. قبول هر مسئولیت جدید در درجه اول بمعنای بحثهای جدید و وثایف جدید و همچنین امکانات جدید برای شرکت در بحث های عمومی حزب است، که طبیعتاً برای هر انقلابی عضو حزب جذابیت دارد. من تصور می کنم که بتوانیم ابتکارات و پیشنهادهایی را که در ایالت هایمان مطرح می شوند، در بحثهای رهبری وارد نماییم.

سازمان دهندگان حمله به پناهندگان ایرانی در دانمارک

ما در شماره های پیشین نشریه اکثریت خبر و گزارش یورش ۲۰۰ نفر از اوباش تحریک شده توسط نیروهای راست افراطی و فاشیست به ساختمان هتل گراند شهر کالینبورگ دانمارک را که محل سکونت جمعی از مهاجرین ایرانی است، منعکس کردیم. در آنجا نوشتیم که برخلاف تندیب مقامات مسئول حکومتی دانمارک یورش به پناهندگان سیاسی ایرانی بر زمینه تبلیغات ضد خارجی و جوسازیهای نژاد پرستانه ای به وقوع پیوسته که از چندی پیش با حمایت رسانه های گروهی وابسته به دولت و گروه های راست افراطی و نئوفاشیست علیه خارجی ها پیش برده می شود... به دنبال این وقایع رئیس پلیس و وزیر دادگستری دانمارک که هر دو وابسته به حزب محافظه کار هستند تلاش کردند واقعه حمله به هتل گراند را به عده ای "مست و لایبالی" نسبت دهند. اما در برنامه تلویزیونی که اول ماه اوت با شرکت اعضای سازمان جوانان حزب محافظه کار حاکم پیش شد، فاش گردید که یورش به هتل گراند و مهاجرین ایرانی، نه اقدام خودسرانه عده ای "مست و لایبالی" بلکه عملی سازمان یافته و از پیش تنظیم شده بوده است. در این برنامه تلویزیونی یکی از اعضای سازمان جوانان حزب حاکم دانمارک گفت که آنها بدنبال جلسه ای که قبل از حمله به هتل گراند داشته اند به این نتیجه رسیده اند که برای برخورد با ایرانیان، به سنگ، پلری و کوکتل مولوتف متوسل شوند. او در ادامه سخنان خود اشاره کرد علاوه بر چهار نفری که مسئول سازماندهی حمله به مهاجرین بوده اند یک نفر نیز برای

قرار دهد.

جنبش صلح در آلمان فدرال باید به بحث بر سر برنامه آینده خود با محتوای جدید بپردازد، هماهنگی بوجود آورد و مبارزه بانظامی کردن فضا را به محور اعتراضات ملی بدل نماید.

من این فرض را که ایالات متحده بطور جدی در مذاکرات شرکت می کند منتفی می دانم، از این رو باید از طریق جنبش توده ای این کشور را وادار به مذاکره جدی کرد. جنبش صلح در کشور ما بخشی از این جنبش توده ای را تشکیل می دهد.

س - از آنجائیکه کمونیستها همواره مبارزان ثابت قدم راه صلحند، نظر شما درباره جنگ ایران و عراق و نقش سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران در مبارزه علیه این جنگ چیست؟

ج - قبل از هر چیز می خواهم احترام خود را به مبارزان راه دمکراسی، صلح و سوسیالیسم در ایران ابراز دارم. کمتر کشوری را می شناسم که جنبش مترقی آن، مانند رفقای ایرانی، دهها سال در شرایط سخت با تعامل بیشترین قربانیها مبارزه کرده باشد.

همبستگی پرشور جهانی با مبارزه در راه سرنگونی رژیم شاه و نیز امید فراوانی که همه ما به انقلاب ضد امپریالیستی و آزادیخواهانه برای نوسازی ایران داشتیم، در خاطر همه ما مانده است این امیدها متأسفانه به ثمر ننشست. بار دیگر دمکراتهای ایران مورد کشتار و سرکوب قرار گرفته اند.

ایجاد این جنایات به حدی است که حتی برای ما کمونیستهای آلمانی که تجربه فاشیسم را داریم، کم سابقه می نماید. تمام آلهایی که تحت این شرایط همچنان در راه حق و عدالت باقی مانده اند و مبارزه میکنند، شایسته احترام و همبستگی همه دمکراتها هستند. ما کمونیستهای آلمان فدرال نیز مایلیم هر آنچه می توانیم در این راه انجام دهیم.

مبارزه همزمان برای حقوق دمکراتیک در کشورتان و در راه سازماندهی علیه جنگ، در شرایط بحرانی و پیچیده ای انجام می گیرد. از یک سو مبارزه برای دمکراسی و حقوق اولیه انسانی در دستور کار قرار دارد و از سوی دیگر مبارزه علیه جنگ، علیه کشتار دانشی هزاران انسان، جنگی که فقط در راستای منافع قدرتهایی است که می خواهند سلطه خود را چه در ایران و چه در عراق حفظ کنند و استقلال این کشورها را از بین ببرند. تلفیق این دو وجه از مبارزه نیاز به رهبری خردمندانه و دور اندیشانه ای دارد. تحت شرایط فوق کمونیستهای ایران دفاع از حاکمیت ملی و اهداف ضد امپریالیستی را نیز از یاد نمی برند. این امر نشانگر آنست که کمونیستهای ایران در طول سالها با دراز مبارزه، تجارب گرانمایی کسب کرده اند. مواضع مادر قبایل آنان نیز از همین سرچشمه می گیرند. بالبور کلی باید بگویم مادر رابطه با کشور های در حال رشد، از استقلال و حاکمیت ملی آنها دفاع کرده و آنها را در خدمت مبارزه ضد امپریالیستی در کشور خود می دانیم.

جدیدی آفریده شود. بطوریکه به دنبال حوادث کالینبورگ در یکی دیگر از شهرهای دانمارک به نام "آسی آ" به مخازن یک پاکستانی با بلب آتش زده حمله کرده و آن را به آتش کشیدند. همچنین در این شهر داخل ماشین یک ایرانی نیز بمب آتش زده گذاشتند.

تکرار وقایع هتل گراند تنها با اتحاد عمل پناهندگان مترقی ایرانی به همراه احزاب و سازمانهای مترقی دانمارک قابل جلوگیری است.

تحریک هر چه بیشتر مردم و گسترش دامنه درگیری و وظیفه فروش کوکتل مولوتف را به عهده داشته و در جریان درگیری ۵ عدد از کوکتل ما به فروش رفته است.

در جریان وقایع شهر کالینبورگ خبرنگار کیهان چاپ لندن تلاش نمود که با ایرانیان ساکن هتل مصاحبه نماید که آنان به دلیل اینکه نشریه مزبور وابسته به سلطنت لیبان و ضد انقلابیون مغلوب است از اینکار خودداری کردند.

هم اکنون با وجود مخالفت سازمانها و احزاب مترقی و صلحدوست و از جمله حزب کمونیست دانمارک که در جریان یورش نیز همبستگی شور انگیز خود را با مهاجرین به نمایش گذاشتند، دامنه تبلیغات و تشیقات علیه مهاجرین ایجاد گسترده تری می یابد و تلاش می شود زمینه برای بلوای

AKSARIYAT

NO. 69

MONDAY AUG 12, 85

Address: آدرس:

RUZBEH

POSTFACH 1810

5100 AACHEN

W. GERMANY